از دیدگاه اهل سنت

نقش نماز در تزکیه نفس و تقویت ایمان

مولف:
حسین العوالیشه
مترجم:
عبدالغنی براهویی



نشر احسان

نقش نماز در تزکیه نفس

و

تقویت ایمان

تألیف: حسین العوالیشه

ترجمه: عبدالغنی براهوئی

عوالیشه، حسین.
نقش نماز در تزکیه نفس و تقویت ایمان
تالیف حسین العوالیشه؛ ترجمه عبدالغنی براهوئی
تهران: احسان، ۱۳۸۸
۸۸ ص. فیپا ISBN: 978-964-356-703-3
اثرالصلاه فی تقویه الایمان و تهذیب النفس. فارسی
موضوع: نماز — خودسازی (اسلام) — ایمان (اسلام)
رده‌بندی کنگره ۱۳۸۸ ۵۰۴۳الف۹ع/۲/BP۱۸۶
رده‌بندی دیویی ۲۹۷/۳۵۳ شماره کتابشناسی ملی ۱۶۱۲۱۴۱

نقش نماز در تزکیه نفس و تقویت ایمان

✦مؤلف:	حسین العوالیشه
✦مترجم:	عبدالغنی براهوئی
✦ناشر:	احسان
✦تیراژ:	۳۰۰۰ جلد
✦صفحه آرا:	نادیا محمدی
✦نوبت چاپ:	اول ـ ۱۳۸۸
✦چاپخانه:	مهارت
✦قیمت:	۱۵۰۰ تومان

ISBN: 978-964-356-703-3
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۷۰۳-۳

نشر احسان

✦ دفتر مرکزی: تهران ـ خ انقلاب ـ خ صفی علیشاه، کوچه تهرانی، پلاک ۲۴ تلفن: ۷۷۵۲۷۶۵۵
✦ فروشگاه: تهران ـ خ انقلاب ـ روبروی دانشگاه، مجتمع فروزنده ـ شماره ۲۰۶ تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۲

فهرست

مقدمه مترجم ۷
مقدمه مؤلف ۱۱

فصل نخست: وظیفه مسلمان در قبال نماز ۱۳

فصل دوم: نماز؛ سبب بخشش گناهان ۲۹
فواید و آموزه‌های احادیث گذشته ۳۳

فصل سوم: تأثیر نماز در ترک گناه و تزکیه نفس ۳۵

فصل چهارم ۳۹
فضیلت شب‌زنده‌داری و تأثیرش در افزایش ایمان ۴۰
فواید احادیث گذشته ۴۶
سفارش متقابل زن و مرد برای شب‌زنده‌داری ۴۷
محبوب‌ترین نماز نزد خدا ۴۷
توجه کامل خدا به بنده در نماز ۴۷
یاری جستن با نماز ۴۸

فصل پنجم: پیوند نماز با شئون زندگی ۵۱
خلاصه‌ای از نماز چاشت ۵۴
نماز ناتوانان و ارتباط آن با پیروزی ۵۷
نماز سبب آسایش و آرامش ۵۷
نماز سراسر ذکر و نیایش است ۵۷

رسول اکرم ﷺ و بیماری و وفاتش ۵۸
درس‌ها و عبرت‌ها ۵۹
خداوند مال را به خاطر برپایی نماز و پرداختن زکات فرود آورد ۶۰
قوت نماز مایه‌ی کاستی و زیان در خانواده و مال ۶۳

فصل ششم: خشوع نماز **۶۵**
موانع خشوع ۶۵
فوایدی قابل توجه ۶۸

فصل هفتم: نماز در مساجد **۷۳**
فضیلت نماز در مساجد مخصوص ۷۳
فضیلت رفتن به مسجد ۷۴
فواید بدست آمده از احادیث گذشته ۷۷
فضیلت پای‌بندی و نشستن در مسجد ۷۸
عقوبت تخلف از جماعت و تأثیر آن در کاستی ایمان ۷۹
فواید بدست آمده از احادیث نقل شده ۸۰
چه کار کنیم تا اول وقت به نماز برسیم؟ ۸۰
فضیلت انتظار نماز بعد از نماز ۸۱
فواید احادیث گذشته ۸۴
از فواید خشوع ۸۵

سخنی در پایان **۸۷**

مقدمه‌ی مترجم

الحمدلله رب العالمین والصلاة و السلام علی رسوله الأمین و علی آله و أصحابه اجمعین

اما بعد:

خداوند می‌فرماید:

﴿فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلاَةَ لِذِكْرِي﴾ طه: ۱۴

«پس تنها مرا عبادت کن و نماز بگزار تا همیشه به یاد من باشی.»

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلاَةِ وَٱصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ طه: ۱۳۲

«خانواده‌ی خود را به گزاردن نماز دستور بده (چراکه نماز مایه‌ی یاد خدا و پاکی و صفای دل و تقویت روح است) و خود نیز بر اقامه‌ی آن پایدار باش.»

نخستین چیزی که انسان مکلف می‌باید به آن اقرار کند، یگانگی خداوند و رسالت محمد ﷺ و بر زبان راندن آن در قالب این عبارت است:

«اَشْهَدُ أَنَّ لا اِله إِلّا اَللّٰه وَ اَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اَللّٰه»

(گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست و گواهی می‌دهم همانا محمد ﷺ فرستاده‌ی خداست.)

زیرا توحید تنها راهی است که انسان با آن وارد دایره‌ی اسلام می‌شود و آخرین چیزی است که با آن از دنیا خارج می‌شود. لذا بر هر فرد مسلمان لازم است که با معرفت و عقیده‌ی کامل، اسما و صفات خدای عزوجل، به‌ویژه توحید و ربوبیت و الوهیت را بشناسد، تا از این طریق، راه صحیح بندگی و عبودیت را بیابد. پس از اقرار به شهادتین، آن چه به عنوان رکن عملی در حیات فرد مسلمان دارای اهمیت است، اقامه‌ی نماز است؛ چرا که نماز وسیله‌ی راز و نیاز بین بنده و پروردگار یگانه و وسیله‌ی

نزدیکی و تقرب به خداوند سبحان است. وقتی که بنده‌ی مؤمن در گرما گرم کارها و سرگرمی‌های روزانه و یا در خواب شیرین سحرگاهی است، همین که وقت نماز فرامی‌رسد و ندای اذان را می‌شنود و از میان موج مشغولیت‌های دنیا، یا از بستری نرم برمی‌خیزد و با ساختن وضو می‌گیرد و آلودگی‌های ظاهری را می‌آلاید، باطن خویش را نیز صفا می‌بخشد و سپس داخل مسجد می‌شود و با تمام آرامش در حضور پروردگارش می‌ایستد و با خضوع و خشوع و فروتنی به رکوع و سجود می‌پردازد. در آن لحظه که آدمی زاد به کمال و شکوه بی نهایت آفریدگار جهان می‌اندیشد، سراپا شیفته‌ی او می‌شود، دل و جانش به خضوع و خشوع و فروتنی می‌گراید، با آهنگ فطرت در برابر آن همه کمال و عظمت سر تعظیم فرود می‌آورد: «رکوع». سر به زمین می‌ساید: «سجود» و زبان به ستایش می‌گشاد: «حمد و تسبیح». نماز سرود توحید و یکتاپرستی و سرود فضیلت و پاکی است که باید فکر و روح ما را در برابر عوامل شرک‌زا و آلوده کننده‌ای که در زندگی روزمره با آن ها سروکار داریم، پاک نموده و یکتاپرست نگه دارد.

هر یک از ما در زندگی روزانه‌ی خود سرگرم کار و هدف خویش است و کم‌تر به چیز دیگری جز آن می‌اندیشد، سرگرمی به کار و تلاش روزانه برای بشر امری طبیعی و ضروری است، به جسم و جانش نشاط می‌بخشد، راه‌های جدید زندگی را به روی او می‌گشاید و او را در راه علم و هنر و صنعت و ایجاد وسایل گوناگونِ بهتر زیستن، به جلو می‌راند. ولی در عین حال او را چنان در خود و آرزوهایش فرومی‌برد که گه گاه برای رسیدن به این آروزها در برابر این و آن، او را به فریب کاری و نیرنگ بازی وا می‌دارد و از خود و شخصیت واقعی و انسانی خود بیگانه‌اش می‌سازد و جسم و جانش را آلوده می‌کند. و روح ما نیز در میدان زندگی روزانه به همین اندازه یا بیش‌تر در معرض آلودگی است. آلودگی به هوس‌های تحریک شده و لگام گسیخته: خودخواهی‌ها، چشم و هم چشمی‌ها، غرور ناشی از پیروزی و کام‌یابی یا عقده‌ی روانی ناشی از شکست و ناکامی و به دنبال آن حسد و کینه و انتقام و صدها آلودگی دیگر. این آلودگی‌ها روح را تیره می‌سازد و ما را از راه راست، راه پاکی و فضیلت و تقوا، منحرف می‌سازد و به راه فساد می‌کشاند. از یاد خدا غافل کرده و به دام شیطان و وسوسه‌های شیطانی می‌افکند. یگانه راه رهایی از آن، ذکر خدا و روی آوردن به نماز است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلاَةَ إِنَّ ٱلصَّلاَةَ تَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَاءِ وَٱلْمُنكَرِ وَلَذِكْرُ ٱللهِ أَكْبَرُ﴾
عنکبوت: ۴۵

«*مسلماً نماز (انسان) را از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند باز می‌دارد و قطعاً ذکر خدا از هر چیز دیگری والاتر و بزرگ‌تر است.*»

در حالی که نماز فرد را صیقل می‌دهد و او را پاک و اصلاح می‌گرداند جامعه را نیز پاک و اصلاح می‌کند. نماز عناصر تفرقه را که بر خاسته از کبر و خودخواهی و آزمندی است، از میان بر می‌دارد. آخر چرا که اگر چنین نباشد، در حالی که اجتماع از افراد ساخته می‌شود و وقتی که فرد اصلاح شود، جامعه نیز اصلاح خواهد شد.

نماز همگام با صبر، جهاد و زکات است. هرکس نماز را آن گونه که باید به جای آورد، به زودی صبر را نیز بدست می‌آورد و در کنار آن او را به زکات و جهاد ترغیب می‌کند، به اعمال نیک فرا می‌خواند و از اعمال زشت باز می‌دارد.

نمازگزار، نماز خویش را با نیت آغاز می‌کند. نیت، عبارت است از تصمیم به پذیرش و امتثال فرمان خدا در بجای آوردن نماز و باز آمدن از مفاسد از طریق آن. همه‌ی نماز خویش را برای خداوند قرار دهد، تا به پاداش خداوند امید داشته باشد و از طرف دیگر با نزدیک شدن به او، از مجازات و عقاب به دور باشد. البته این نیت تنها در فکر و اندیشه به وقوع می‌پیوندد.

نماز گزار دست‌های خویش را تا شانه‌ها بالا می‌برد. این عمل اشاره به آن دارد که دنیا را ترک کرده و اندیشه‌ی خود را تنها معطوف به خداوند داشته است و می‌گوید:
«**اللّه اکبر**» (*خدا بزرگ‌تر است.*)

نمازگزار اعتراف می‌کند که بزرگی تنها از آن خداست و خود را در برابر کبریا و عظمت خداوند می‌بیند. خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا ٱرْكَعُوا وَٱسْجُدُوا وَٱعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَٱفْعَلُوا ٱلْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ حج: ۷۷

«*ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای آفریدگار خویش رکوع و سجده کنید و پروردگار خود را پرستش کنید و کارهای نیک انجام دهید، تا رستگار شوید.*»

رکوع و سجودنشان عبودیت خداست.

رکوع و سجود راز و سر عبودتی می‌باشند. عبودیت در حقیقت همان فروتنی و خضوع توأم با محبت است. انسان خوارترین و خاضع‌ترین وضعیتی راکه ممکن است داشته باشد، در حالت رکوع و سجود دارد.

رسول اکرم ﷺ فرموده است:

«أقرب ما یکون العبد من ربّه و هو ساجد. فأکثروا الدعاء»[1]

(نزدیک‌ترین حالتی که بنده با پروردگارش دارد، سجده است. لذا در آن زیاد دعا کنید.)

غایت رکوع و سجود عبادت است و اعتراف است به اینکه قدرت خداوند بر همه چیز سایه افکنده است. اگر این اقرار و عتراف برخاسته از جان آدمی باشد، این خضوع عمیق‌ترین است.

خوانندگان گرامی، کتابی که در دست شماست، همین موضوع نگاشته شده است. امیدوارم که با مطالعه‌ی آن، بیدار شده و به نماز که تجسم عبودیت پروردگار است، روی آورده و آن را زندگی کنیم.

خوشا آنان که الله یارشان بی — به حمد و قل هو الله کارشان بی
خوشا آنان که دایم در نمازند — بهشت جاویدان مأوایشان بی

﴿رَبِّ ٱجْعَلْنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَاةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ ابراهیم: ۴۰

«پروردگارا، مرا و کسانی از فرزندان مرا نمازگزار کن. پروردگارا، دعا و نیایش مرا بپذیر.»

و السلام

عبدالغنی براهویی / زاهدان

۱۳۸۵/۴/۱۸

۱. روایت مسلم.

مقدمه‌ی مؤلف

إنَّ الحمدللّه نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ باللّه من شرور أنفسنا و سیئات أعمالنا، من یهده اللّه فلا مضل له، و من یضلل فلاهادی له، و أشهد أن لا إله إلّا اللّه وحده لا شریک له، و أشهد أن محمداً عبده و رسوله.

اما بعد:

بی شک مردم نسبت به نماز سهل انگاری کرده و آن را سبک شمرده‌اند، دل‌ها از خشوع تهی گردیده و به ظلمتکده تبدیل شده است و مصیبت‌ها دامن‌گیر شده‌اند و مردم به دنبال عوامل بوده و برای یافتن راه برونرفت از آن از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند، اما ره به جایی نبرده‌اند. همچنین سراغ هر چیزی راگرفتند جز نمازشان، اما غافل از این که تنها راه حل و سبب درمان در نمازشان است و بس. نماز نزدیک ترین چیز به آنان می‌باشد. به قول شاعر:

آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم　　　یار در خانه و ماگرد جهان می‌گردیم

بی شک نماز سبب روشنایی چشمان و مایه‌ی شادکامی و آرامش درونی پیامبر اکرم ﷺ بوده است. پس چرا ما آسایش و خوش بختی را در چیزهای دیگر جست و جو می‌کنیم که جز خستگی و بدبختی، عایدی دیگر در بر ندارد. پاکی و پیراستگی نفس‌ها از پیراستگی و پاکی عقیده و نماز شروع می‌شود. گزاف نیست اگر بگویم که یقیناً نماز صحیح و فروتنانه از بارزترین عواملی است که منجر به پیروزی امت اسلامی می‌شود. نماز آیینه‌ی تمام‌نمای کردار مسلمان است که تمامی اعمال او در آن تجسم می‌یابند. اگر نماز اصلاح و درست شود، سایر اعمال او اصلاح خواهند شد و اگر در نماز خلل و کاستی پیدا شود، در تمام اعمال او خلل و کاستی پیدا خواهد شد.

وقتی که صحابه کرام ﷺ فضیلت نماز را نیک درک کردند و قلب‌ها و جوارحشان خاشع و فروتن شد و کردار و اخلاقشان درست و نیک گردید، آن وقت رهبران و سرداران جهان شدند. اکنون چرا ما از شکست و هلاکت و بدبختی شکایت داریم و از دوستان و خویشاوندان شکایت داریم و حتی از خودمان هم ناخشنود وشاکی هستیم؟ پس چرا از دشمنان خویش شاکی هستیم؟ برای اصلاح امور فوق به نماز خودمان مراجعه و تجدید نظر کنیم و حتماً آن را با نماز پیامبر و نماز صحابه کرام ﷺ بسنجیم، چراکه تنها راه تغییر و اصلاح نفس‌ها و رسیدن به قله تزکیه، همان است و بس، و یگانه راه رستگاری هر دو جهان نماز است و نمازست!

بنابراین، بعد از این همه عوامل قانع کننده، تصمیم گرفتم که درباره‌ی نماز بنویسم. لذا نوشتن را به صورت گسترده آغاز کردم و در متون - آیات و احادیث - نظر افکندم و به تفسیر و گفتار علما درباره‌ی آن، به اندازه‌ی توان خود مراجعه کردم و آن چه که سودمند و مفید و استنباط از آن ممکن بود، اندیشیدم و به دنبال تشخیص بیماری‌ها و علاج آن در لابه‌لای واقعیت‌های زندگی و زندگی واقعی گشتم که خوش‌بخانه نتیجه‌ی آن همین کتاب شد که اینک در دست شماست. از خداوند مسألت می‌نمایم که مرا در رسیدن به حق و حقیقت توفیق عنایت فرماید. فروتنانه از خداوند سبحان می‌خواهم که این کار را خالصانه به پیش‌گاه خویش بپذیرد و آن را برای من و برادران مسلمانم در تمام جهان سودمند گرداند و آن را بعد از پایان عمر و پس از فرا رسیدن اجل و گسسته شدن اعمال، سودمند گرداند؛ چراکه خداوند بر انجام دادن هر کاری توان‌مند است.

فصل نخست

وظیفه‌ی مسلمان در قبال نماز

بی گمان قوی‌ترین چیزی که ایمان مسلمان را می‌افزاید، نماز است. خدای سبحان می‌فرماید:

﴿مَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ﴾[1] بقره: ۱۴۳

«خداوند نماز و عبادت قبلی شما را (درکنار بیت الله) هیچ وقت ضایع نمی‌گرداند.»

رسول خدا ﷺ فرمود: شما را به انجام دادن چهار چیز امر می‌کنم و از انجام دادن چهار چیز باز می‌دارم: شما را به ایمان به خدای یکتا امر می‌کنم، آیا می‌دانید که ایمان به خدای یکتا چیست؟ گواهی دادن به این که هیچ معبودی [راستین] جز خدا نیست و این که محمد ﷺ فرستاده‌ی خداست شما را به برپا داشتن نماز و پرداختن زکات اموال و روزهی ماه رمضان امر می‌کنم. دیگر این که خمس آن چه راکه از غنیمت به دست آورده‌اید، پرداخت کنید و شما را از استعمال این ظروف که شراب در آن درست می‌شود، باز می‌دارم!

«الدّباء» ظرفی که از کدو خشک ساخته می‌شود. «النّقیر» ظرفی که از تنه‌ی درخت خرما ساخته می‌شود، طوری که میانه و وسط آن تهی و خالی کرده می‌شد. «الحنتم» سبوی سفالین. «المزّفت» ظرفی که قیراندود شده باشد. این دستورها را بخاطر بسپارید و کسانی راکه اکنون با شما نیستند، باخبر کنید.[2]

---

۱. صحیح بخاری «باب الصلاة من الایمان» نماز از ایمان است.

۲. صحیح بخاری و صحیح مسلم، «صحیح ابن خزیمه، باب الدلیل علی أن إقام الصلاة من الایمان».

یکم: بایسته‌ی مسلمان است که به نمازش توجه کند، به چند دلیل:

۱. این که سعی کند حتی الامکان نمازش با نماز پیامبر اکرم ﷺ هماهنگ باشد. این هم با مراجعه به «باب الصلاة» در کتاب‌های حدیث و فقه امکان پذیر است.[۱]

چون وقتی انسان مسلمان که نماز می‌گزارد و هیأت و ارکان و واجبات را انجام می‌دهد، احساس خواهد کرد که طبق سیره و روش رسول اکرم ﷺ حرکت می‌کند. پس به آن چه که رسول اکرم ﷺ پای بند بوده است پای بند می‌شود، و آن چه را که رسول خدا ﷺ رها ساخته است رها می‌سازد. گاهی انجام می‌دهد آن چه را که از رسول اکرم ﷺ ثابت شده است که گاهی آن را انجام داده است. پس می‌بینی که بعضی از اذکار را به صورت تنوعی انجام می‌دهد؛ چون به همین روش از رسول خدا ﷺ روایت شده‌اند، و گاه نیز میان آن‌ها فاصله ایجاد می‌کند، چنان که رسول خدا ﷺ بین آن‌ها فاصله گذاشته است.

دوم: در نماز خویش خشوع داشته باشد. خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿قَدْ أَفْلَحَ ٱلْمُؤْمِنُونَ * ٱلَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ مؤمنون: ۲-۱

«و مسلماً مؤمنان، پیروز و رستگارند. آن‌ها کسانی هستند که در نمازشان خشوع و خضوع دارند.»

نیز فرموده است:

﴿وَقُومُوا۟ لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ بقره: ۲۳۸

«و فروتنانه برای خدا بپا خیزید.»

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ روزی نماز گزارد. سپس برگشت و فرمود: ای فلان، آیا نمی‌توانی نمازت را به صورت زیبا ونیک بگزاری. نماز گزار باید دقت کند، چگونه نماز بگزارد، چون او تنهابرای خودش نماز می‌گزارد.[۲] این هدف با انجام چند چیز به دست می‌آید که برخی از آن داخل نمازند و پاره‌ای دیگر بیرون از آن. از جمله:

---

۱. زیباترین کتابی که در این مورد می‌شناسم کتاب صفه الصلاة النبی ﷺ من التکبیر الی التسلیم کأنک تراده‌ااز علامه محمد ناصرالدین آلبانی است که آن را با مراجعه به صد و شصت و سه منبع خطی و چاپی نگاشته است. این کتاب با عنوان روش نماز پیامبر ترجمه و چاپ شده است.

۲. صحیح مسلم، باب الأمر بتحسین الصلاة و اتهامها و الخشوع فیها.

۱. یادآوری مرگ:

انس ﷺ از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمود: «مرگ را در نمازت یادآور که هر وقت انسان در نماز خود مرگ را به یاد آرود، شایسته‌ی او خواهد بود که نمازش را به صورت زیبا بگزارد و همچون کسی نماز را به گونه‌ای به جا آورد که گمان نبرد بعد از آن نمازی دیگر بگزارد و از انجام هر کاری که لازم است بعد از آن عذرخواهی کنی، پرهیز کن!»[1]

بی گمان رسول خدا ﷺ به مسلمان دستور داده است که مرگ را در نماز خود یاد کند. این کار عاملی در زیبایی نماز خواهد بود. چون مرگ، در درون آدمی، ترس و هراس ایجاد می‌کند و با فرا رسیدن آن اعمال ختم می‌شوند و مراحل بعد از مرگ هراسناک تر و وحشتناک تر خواهد بود. آیا گریزگاهی از فشار قبر هست؟ پاسخ ما به پرسش هایی که در قبر از ما می‌شود، چه خواهد بود؟ دیگر این که نمی‌دانیم سرنوشت ما چه خواهد بود، آیا به سوی بهشتی که پهنای آن به اندازه‌ی پهنای آسمان‌ها و زمین است، خواهد بود؟ یا به سوی آتشی که هیمه و هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند؟ این چنین انسان به تماشا می‌نشیند و صورت‌های مختلفی را در مرگ و مراحل بعد از آن می‌بیند و در برابر دیدگان خویش مجسم می‌سازد. لذا چنان نمازی می‌گزارد که تصور نمی‌کند بعد از آن بتواند نمازی دیگر بگزارد.

از این رو، نمازش را زیبا می‌گزارد و با حضور ذهن به نماز روی می‌آورد. توبه‌ی صادقانه می‌کند و خویشتن را در میان مردگان می‌شمارد. کفن را تهیه می‌کند و وصیت‌نامه‌ی خویش را می‌نویسد و در شبان گاه به انتظار فرا رسیدن صبح نمی‌ماند.

این چنین به نماز روی می‌آورد تا نمازش را خاشعانه و گریان بگزارد، همیشه بین ترس و امید به سر می‌برد و به استقبال آخرت می‌نشیند. دنیا را بدرقه می‌کند؛ چون آن نماز، نماز بدرقه گونه‌ای است و با نمازش جلسه‌ی تودیع برگزار می‌کند. او بدینوسیله، نه تنها با خانواده و والدین و برادران، دوستان و نزدیکان وداع می‌کند، بلکه با تمام دنیا الوداع می‌گوید. هموست که می‌گوید:

---

۱. این حدیث را شیخ آلبانی در صحیح الجامع الصغیر، شماره‌ی ۸۶۲ حسن قرار داده است.

«اللّٰه اکبر» *«بی شک خداوند از هر چیزی بزرگ‌تر و برتر است.»*

او با این جمله تمام زندگانی دنیا را کوچک می‌شمارد و آن را کم ارزش می‌پندارد. هموست که دعایی از دعاهای استفتاح را زمزمه می‌کند، وقتی که می‌گوید:

«أَللّٰهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَ بَيْنَ خَطَايَايَ كَمَابَاعَدْتَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ.»

(قطعاً فاصله ی بین مشرق و مغرب را در ذهن خود مستحضر می‌کند. حتماً در آن لحظه به قدر ممکن، از اشتباهات و گناهانی را که کمرش را خم کرده‌اند، به خاطر خواهد آورد.)

به شدت هراسان است از این که با آن به دیدار خدا رود و بدون توبه، مرگ به سراغ او آید. لذا، این دعا را می‌خواند و به اجابت آن یقین دارد. این چنین در هر بخشی از نماز خود در معانی و مفاهیم به تدبر می‌پردازد.

عظمت و بزرگی خدای سبحان را در ژرفنای قلبش مستحضر می‌کند و سخاوت مندانه گریه می‌کند واشک می‌ریزد؛ چرا که بهشت و دوزخ اکنون برای او نزدیک‌تر از بند کفشش، فرا روی‌اش نمایان شده است و این سخن زیبای رسول اکرم ﷺ راجلوی دیدگان خویش مجسم و آن را زمزمه می‌کند:

«صَلِّ صَلاة مُودع کأنّک تراه، فإن کنتَ لا تراه فإنّه یراک.»[1]

(نماز وداع گونه بگزار. گویا تو خدا را می‌بینی. اگر تو خداوند را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. اگر تصور می‌کنی که او را نمی‌بینی، به یقین بدان که او حتماً تو را می‌بیند.)

جهت درست انجام شدن نماز، در نظر گرفتن نظارت خداوند ضروری است و نیز ضروری است که دنیا را پشت سرا بیفکنیم. چه اتفاقی می‌افتد اگر انسان بداند که سخنانش شنود می‌شوند و حتماً به گوش پادشاه می‌رسند و چه خواهد گفت و چگونه صحبت خواهد کرد؟ حتماً حروف و کلمات را خوب خواهد سنجید؟ پس چگونه است حالت کسی که در برابر خدای بسیار شنونده و بسیار بینای دانا می‌ایستد، همان خدایی که هیچ پوشیده‌ای بر او پوشیده نخواهد بود.

رسول اکرم ﷺ گاهی نماز می‌گزارد، درحالی که از درونش صدای گریه همچون صدای دیگی که به اوج جوشش برسد، به سبب تجلیل و عظمت مقام حق، تعالی، شنیده می‌شد.

---

۱. صحیح الجامع الصغیر، شماره‌ی ۳۶۷۰.

عبدالله بن شفیر[۱] ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ را دیدم که برای ما نماز می‌گزارد در حالی که صدای گریه، همچون صدای جوشش دیگ در سینه‌اش پیچیده بود.

صدای گریه‌ی عمر ﷺ در آخر صف‌های نماز شینیده می‌شد. عبدالله بن شدّاد می‌گوید: من در آخر صف‌های نماز بودم و هنگامی که عمر ﷺ این آیه را تلاوت می‌کرد، صدای هق هق گریه‌اش را می‌شنیدم.

﴿إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى ٱللَّهِ﴾ یوسف: ۸۶

«*شکایت و پریشانحالی و اندوه خود را تنها و تنها به درگاه خدا می‌برم.*»

حالت ابوبکر صدیق ﷺ چنان بود که از شدت گریه‌اش مردم نمی‌توانستند صدای تلاوتش را بشنوند. عایشه ﷺ می‌گوید:

رسول خدا ﷺ در بیماریِ وفات خویش فرمود: «به ابوبکر امر کنید که امام مردم شود.»

عایشه می‌گوید: عرض کردم که اگر ابوبکر در جایگاه شما بایستد، از شدت گریه نمی‌تواند صدای تلاوت خویش را به گوش مردم برساند، لذا به عمر امر کنید که نماز بگزارد و امام مردم شود. دوباره رسول خدا ﷺ فرمود: به ابوبکر امر کنید که امام مردم شود. عایشه ﷺ به حفصه گفت که به رسول خدا ﷺ بگویید: اگر ابوبکر در جایگاه شما بایستد، از شدت گریه صدای تلاوتش به مردم نمی‌رسد. پس به عمر امر کنید که امام مردم شود، حفصه چنین کرد. رسول خدا ﷺ فرمود: از این سخنان دست بردارید. یقیناً شما مانند زنان داستان یوسف‌ﷺ هستید.[۲] به ابوبکر امر کنید که امام

---

۱. روایت ابوداوود، نسایی و ترمذی در شمایل؛ حافظ در فتح الباری می‌گوید: سندش قوی است. ابن خزیمه، حاکم و ابن حبان آن را صحیح دانسته‌اند.

۲. حافظ ابن حجر در فتح الباری می‌گوید: وجه تشابه این جریان با داستان حضرت یوسف در این است که زلیخا زنان را فرا خواند و از آنان پذیرایی محترمانه و بزرگ وارانه کرد، اما عایشه‌ﷺ اظهار کرد که قصدش، این است که امر امامت را از دوش پدر بردارد؛ چون پدر نمی‌تواند از شدت گریه صدای تلاوت خویش را به گوش مقتدیان برساند. دیگر این که نمی‌خواست مردم قرار گرفتن ابوبکر را در جایگاه رسول خدا ﷺ شگون پندارند. حافظ ابن حجر از کتاب فتح الباری در کتاب المغازی از عایشه ذکر می‌کند که فرمود: درباره‌ی عدم امامت ابوبکر به رسول خدا چند بار مراجعه کردم و هیچ چیزی مرا به کثرت مراجعه وادار نکرد، مگر این که به ذهنم خطور کرد که مردم هیچ وقت دوست نمی‌دارند کسی را که بعد از رسول خدا در جایگاه او بایستد. دیگر این که تصور کردم که هر کس در جایگاه او قرار گیرد، حتماً مردم این ایستادن را در جایگاه آن حضرت

مردم شود. حفصه به عایشه گفت:هیچ وقت از ناحیه‌ی تو خیری نصیب من نشده است. (صحیح بخاری)

در روایتی دیگر آمده است: ابوبکر انسانی رقیق القلب و نرم دلی است که اگر در جایگاه شما بایستد، قطعاً نمی‌تواند برای مردم نماز گزارد. (صحیح بخاری)

۲. تدبر در معانی کلمات متعلق به نماز:

وقتی که تکبیر می‌گوید، معانی این کلمات را با آن چه که تعظیم و بزرگ داشت خداوند را شامل می‌شود، در ذهن خود مجسم می‌کند. وقتی که «اعوذ باللّٰه» می‌گوید در مفاهیم استعاذه و پناه جستن تامل می‌کند که آن یگانه پناه‌گاه و مستمسک به خدای بسیار شنوایی که فریاد بنده را می‌شنود، می‌باشد. العلیم: ذاتی که تمام وسوسه‌های شیاطین را می‌داند و در ذهن خود مجسم می‌کند. با این کار، در هر خیری را می‌گشاید و در هر شری را می‌بندد. همچنین در معانی بسم الله و تسبیح و صلوات بر پیامبر ﷺ می‌اندیشد. وقتی که وضعیت این چنین است، لازم می‌نماید که در این زمینه به کتاب‌های تفسیر و سخنان علما روی آورده شود، تا آن‌چه راکه انسان می‌گوید نیک درک کند، و آن چه راکه نیک درک می‌کند، بگوید. بایسته است که در تمام نماز خود حالش چنین باشد که برای به دست آوردن آن به اندازه وسع و توان خویش تلاش کند.

۳. ترک گناه:

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ رعد: ۱۱

«خداوند سبحان حال و وضع هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنان خود احوال خود را تغییر دهند.»

معصیت‌ها و گناهان سدی نیرومند در برابر خشوع در نماز هستند. از آن جمله: گناه کسی که همسری بداخلاق دارد و آن را طلاق نداده است، یا کسی که سرمایه‌اش را به نادانی بسپارد یا به کسی وامی دهد و بر آن شاهدی نگیرد.

در این باره رسول خدا ﷺ می‌فرماید سه کس هستند که خدا را به فریاد

نحس می‌شمارند. از این رو خواستم که رسول خدا ﷺ این را از ابوبکر دور سازد. این داستان در صحیح بخاری نیز آمده است. درباب استخلاف الامام اذ عرض له عذر». کتاب الصلاة

می‌خوانند، اما دعایشان مستجاب نمی‌شود. کسی که همسری بداخلاق دارد و آن را طلاق نداده است. و دوم آن کس که بر کسی وامی دارد، اما بر آن شاهدی نگرفته است.

و سوم آن کس که مال و سرمایه‌اش را به فردی سفیه و نادان بسپارد؛ چون خداوند فرموده است:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ﴾[1] نساء: ۵

«اموال خود را به کم خردان تحویل ندهید.»

همچنین است نافرمانی زن در برابر فرمان مشروع شوهرش و نیز فرارِ برده از اربابش، فراری است که بدون آزار و اذیت ارباب صورت می‌گیرد. چنان که در حدیث آمده است: دو کس هستند که نماز آنان از سرشان تجاوز نمی‌کند: برده‌ای که از ارباب خویش فرار کرده است، تا باز گردد، دوم زنی که نافرمانی همسر خویش را کرده باشد، تا باز گردد.[2]

همان گونه به کثرت انجام دادن طاعات متنوع، زیبایی و خشوع نماز را می‌افزاید، از جمله: ترحم و شفقت بر یتیم و دست بر سرش کشیدن و به او طعام دادن. در این باره رسول اکرم ﷺ فرموده است: آیا دوست داری که قلبت نرم شود و به نیازت برسی بر یتیم ترحم کن و دست شفقت را بر سرش بکش و او را از غذایت بخوران، آن وقت قلبت نرم خواهد شد و به حاجتت خواهی رسید.[3]

۴. پرهیز از خنده‌ی زیاد، چرا که خنده قلب را می‌میراند و خشوع را از آن می‌ستاند. همانطور که در حدیث آمده است «... خنده‌ی زیاد قلب را می‌میراند.»

۵. انتخاب کار مناسب و آن از چند جهت:

أ. از جهت این که آن حلال است؛ چون خداوند متعال جز پاکی چیزی دیگر را نمی‌پذیرد و دعای فرد حرام خوار پذیرفته نمی‌شود؛ چرا که او مردود الدعاء بوده و از خشوع محروم است.

ب. دیگر این که این کار، با اوقات نماز متعارض و ناهماهنگ نباشد، اگر چنین

---

۱. حاکم در مستدرک خود از ابوموسی ﷺ روایت کرده است. در صحیح الجامع ۳۰۷۰ ذکر شده است.

۲. صحیح الجامع، شماره‌ی ۱۳۵.

۳. صحیح الجامع، شماره‌ی ۸۰.

باشد فرد برای تأخیر نمازها و یا قضای آن در صورت فوت فتوا صادر خواهد و گرچه فوت نماز به خاطر سستی و کوتاهی صورت گفته باشد، یا به دنبال کسی می‌گردد که او را به این کار فتوا دهد.

ج. در حد توان خویش به دنبال شغلی باشد که خسته کننده نباشد، که هر گاه وارد نماز شد، با قلبی فروتن و خاشع به آن روی آورد؛ چرا که ذهن انسان خسته و معمولاً پریشان و پراکنده است، که در حقیقت آن به حساب خشوع نماز گذاشته خواهد شد. چنان که رسول خدا ﷺ دستور داده است که هرگاه غذا حاضر شد و همزمان نماز برپا شد، به خوردن غذا بپردازیم تا از آن فارغ می‌شویم؛ چرا که قلب درآن مشغول غذا می‌شود و خشوع از نماز سلب می‌گردد.

عبداله بن عمر رضی الله عنه از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمود: هرگاه شام یکی از شما حاضر شد و همزمان نماز برپا گردید به خوردن غذا بپردازید و تا از آن فارغ نشده‌اید شتاب به خرج ندهید.[1]

۶. بیش از حد به دنیا نپردازد: اگر چنین شود، حتماً آن به حساب آخرت گذاشته خواهد شد. از دنیا به اندازه‌ای که نیاز خود و نیاز خانواده و فرزندانت را برطرف می‌کند، بهره بگیر.

اگر کار صبح گاهی شما کفایت می‌کند، پس هیچ دلیلی برای کار شبانه نیست و اگر در کار تجاری شخصی موفق هستی، که سودی برایت دارد، پس نیازی نیست که خود را در گونه‌های مختلف تجاری غرق کنی که سبب پریشانی و پراکندگی ذهنت شود و حقوق پروردگارت را از یاد فراموش کنی و آن، حقوق خودت و خانواده و فرزندانت را ضایع گرداند.

۷. کثرت تلاوت قران کریم: نیز از کار و دعاهایی که ثابت و صحیح می‌باشند و انجام کارهایی که رقیق کننده قلب هستند؛ چرا که آن‌ها قلب را نرم و شیطان را دور می‌سازد.

۸. اول وقت برای نماز برود؛ چون ممکن است که حرص رسیدن به نماز او را وادار به دویدن و شتاب کند، با ذهنی آشفته وارد آن شود، که این کار منافی خشوع در نماز است.

ابو قتاده رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمود: هرگاه به نماز آمدید،

۱. بخاری و مسلم و دیگران.

با آرامش بیایید و درحالت شتاب و دویدن به نماز نیایید. آن چه از نماز دریافتید، آن را بخوانید و آن چه از شما فوت شده آن را کامل کنید.»[1]

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه نماز اقامه شد، در حالت دویدن به آن نیایید و برای رسیدن به آن شتاب نکنید بلکه با حالت آرامش به نماز بیایید و آن چه از نماز دریافتید، آن را بخوانید و آن چه از شما فوت شد آن راتکمیل کنید. چون هرگاه یکی از شما اراده‌ی نماز می‌کند، در واقع او در نماز هست.[2]

۹. پیوستگی و راستی صف‌ها [3]

چون فاصله‌ی میان صف‌ها جایگاه و پناه گاه شیطان است. در حدیث آمده است که صف‌ها را به هم متصل کنید؛ چون شیطان در فاصله‌ی میان صف‌ها می‌ایستد.[4]

رسول اکرم ﷺ درباره‌ی راستی و پیوستگی صف‌ها می‌فرمود:

«إستووا و لا تختلفوا فتختلف قلوبکم.»[5]

(صف‌ها را راست کنید و در آن اختلاف ایجاد نکنید. کج و نامیزان نایستید ـ که قلب‌های شما کج و نامیزان می‌شوند.)

نیز می‌فرمود: حتماً صف‌ها را راست کنید و گرنه خداوند میان شما اختلاف ایجاد خواهد کرد.[6]

لذا در صورت راست نبودن صف‌ها بین چهره‌ها و قلب‌ها اختلاف و نامیزانی ایجاد خواهد شد. نیز عدم راستی صف‌ها نشان کاستن ایمان و نابودی خشوع است. همان گونه که راستی و پیوستگی صف‌ها نشان کمال نماز و زیبایی آن می‌باشد. چنان که رسول خدا ﷺ فرموده است: «به درستی صف از کمال نماز است».[7] نیز فرموده است: «بی شک راستی صف از زیبایی نماز است».[8]

---

۱. بخاری و مسلم، محدور مسندش. ۲. مسلم.
۳. نگاه به ساله‌ی متسویه الصنوف و اثرهای میاة الامة، نوشته‌ی مؤلف.
۴. امام احمد در مسند، ابوداود، در صحیح الجامع، به‌شماره‌ی ۳۴۴۸.
۵. روایت مسلم، مسند امام احمد، دیگران.
۶. بخاری در باب تسویه الصفوف عندالاقاقه و بعدها.
۷. مسلم. ۸. صحیح بخاری.

سوم: بر اوقات نماز مواظبت کرده و از تأخیر و تضییع آن پرهیز کند:

خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتَٰبًا مَّوْقُوتًا﴾ نساء: ۱۰۳

«بی‌گمان نماز بر مؤمنان در اوقات معین و معلوم بر آنان فرض شده است.»

ابو عمرو شیبانی می‌گوید: صاحب این خانه (اشاره به خانه‌ی عبدالله) برای ما تعریف کرده است که از رسول خدا ﷺ پرسیدم: کدام عمل نزد خدا محبوب و پسندیده است؟ فرمود: نماز در اول وقت. باز پرسیدم: پس کدام عمل؟ فرمود: سپس نیک رفتاری با پدر و مادر. سپس کدام عمل؟ فرمود: جهاد در راه خدا. می‌گوید رسول خدا ﷺ این‌ها را برایم بیان فرمودند. اگر بیش‌تر سؤال می‌کردم، بیش‌تر برایم می‌گفت![1]

رسول خدا ﷺ بیان فرمود که نماز در اوقات معین خودش از بهترین اعمال است که رسول اکرم ﷺ آن را بر نیک رفتاری با پدر و مادر و جهاد در راه خدا مقدم داشتند و دلیل آن هم کلمه‌ی «ثُمّ» است که افاده‌ی ترتیب است. همان طور که در لغت عرب معروف است. حافظ ابن حجر در «فتح الباری» می‌گوید: ابن بزیزة گفته است: آن چه قابل توجه است، این که جهاد بر تمامی اعمال بدنی مقدم است؛ چون در جهاد بخشش و فدای جان است. اما صبر و شکیبایی در محافظت بر نمازها و گزاردن آن در اوقات معین، نیز نیک رفتاری با والدین، مسأله‌ای لازم و مستمر و همیشگی است که در انجام آن جز صدیقین: راستکرداران و راستباوران، کسی دیگر بر مراقبه‌ی خداوندی نمی‌تواند شکیبا و پایدار باشد ـ و الله اعلم.

برای آن مثالی بیان می‌کنم تا هدف را بیش‌تر روشن کند. کسی را در نظر بگیر که در کارهای تجاری خویش غرق مشغولیت‌ها و روابطی که در پی دارد، می‌باشد که سخت او را مشغول کرده است تا جایی که شیطان او را دچار اشتباه می‌کند تا تکبیرة الاحرام یا بخشی از نماز از او فوت شود. اگر برای چنین فردی نصوص آیات و احادیثی پیرامون جهاد در راه خدا را قرائت کنی و از حماسه‌های صحابه ﷺ برای او توضیح دهی و او را به بهشت و زیبایی‌های آن ترغیب کنی، هرگاه به دنیا نظری بیفکند آن در برابر

---

۱. بخاری و دیگران.

دیدگانش نمودی کوچک پیدا خواهد کرد و درباره‌ی آخرت به تأمل خواهد نشست آن را بزرگ و برتر خواهد دید. دیگر این که به بهشتی که پهنای آن به اندازه‌ی پهنای آسمان‌ها و زمین است می‌اندیشد، برای نوشتن وصیت‌نامه شتاب خواهد کرد و حقوق بندگان را مسترد و با خانواده ودوستان خداحافظی خواهد کرد، عازم میدان جهاد و مبارزه خواهد شد و آن جاست که جام شهادت را در راه خدا نوش جان خواهد کرد.

گیرم که او را برای جهاد در راه خدا فرا نخواندی، بلکه او را برای محافظت بر اوقات نماز فراخواندی و نصوص تشویق کننده و بیم دهنده و صحنه‌ها و مواضع مؤثری را برایش بیان کردی، فکر می‌کنی واکنش او در قبال آن چه خواهد بود؟ شاید او اجابت کند شما را و پذیرای سخنان‌تان باشد و بر اشتباهی که از او سرزده است گریه کند. لذا تصمیم جدی می‌گیرد که بر اوقات نماز مواظبت کند. چه بسا این کار را روزهای متوالی انجام دهد، اما شیطان مرتب وسوسه می‌کند و مشغولیت‌ها هم فراوان، قرارها و ارتباطات و مسئولیت‌ها گسترده می‌شود که در چنین وضعیتی شیطان او را هدف قرار می‌دهد و مواظبت بر اوقات نماز را از او سلب می‌کند، که او به خود می‌آید و با نفس خویش به مبارزه می‌پردازد و از این طریق می‌تواند بر شیطان خویش پیروز شود. سپس باری دیگر نماز او فوت می‌شود که او روزانه در پنج وقت با شیطان در ستیز و کش مکش است و یادمان باشد که عمر هم از روزها تشکیل شده است. این است مبارزه با نفس که اولین گام مبارزه با نفس است. اما جایگاه اولین از دومین کجاست؟ بلکه این مبارزه‌ی عمر است و آن مبارزه‌ی ساعت، روزها، یا ماه‌ها وسال‌هاست. به هرحال می‌گویم در هر کدام خیری نهفته است. از خداوند خالصانه مسألت می‌نمایم که مرا از مواظبت کنندگان بر اوقات نماز و وجود خشوع و سایر دستورهای خویش قرار دهد و مرا در گروه شهدا محسوب کند که بی شک او حق تعالی ـ بر انجام هر کاری تواناست.

مصعب بن سعد می‌گوید: به پدرم عرض کردم: پدرجان، مرا از این قول خداوند خبر بده که می‌فرماید:

﴿الذین هم عن صلاتهم ساهون﴾

«همان کسانی که نماز خود را به دست فراموشی می‌سپارند.»

چه کسی از ما فراموش نمی‌کند؟ چه کسی با خود صحبت نمی‌کند؟ فرمود: منظور این نیست، بلکه آن ضایع کردن وقت است. سرگرم می‌شود تا وقت را ضایع کند.[۱]

موسی بن اسماعیل می‌گوید مهدی از غیلان از انس ﷺ برای ما حدیث بیان کرده است که او فرمود: چیزی را می‌بینم که در دوران پیامبر اکرم ﷺ نبوده است. من آن را نمی‌شناسم! گفته شده است که منظورش نماز است. فرمود: مگر شما در آن چنین و چنان نکردید[۲]، منظورش تأخیرنماز از وقت معین آن می‌باشد.

عثمان بن أبی روّاد برادر عبدالعزیز می‌گوید: از هری شنیدم که می‌گفت در دمشق خدمت انس به مالک رسیدم که ایشان در حالت گریان دیدم، عرض کردم: چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: از آن چه که دریافته‌ام جز این نماز چیزی دیگر نمی‌شناسم و این نماز هم که ضایع شده است.[۳]

حافظ ابن حجر در فتح الباری می‌گوید: مهلّب گفته است: منظور از تضییع نماز، تأخیر آن از وقت مستحب می‌باشد، نه این که آنان نماز را از وقت خارج کرده‌اند. اما ابن حجر با او در این برداشت مخالفت کرده وآن را مفصل در کتاب خود ذکر کرده است. برداشت ابن حجر این است که منظور خارج کردن نماز از وقت معینِ آن می‌باشد.

به نظر می‌رسد سخن شاعر در این جا برای آن مصداق خوبی است که می‌گوید:

گفتم: هر دوی آن تلخ هستند، اما شیرین‌ترین آن نیز تلخ است.

بی شک انس ﷺ گریه کرد، اما ما چه کار می‌کنیم؟ چه کاری بایسته است که انجام دهیم؟ آیا شایسته‌ی حالمان نیست که با اشک‌های خود به خاطر کوتاهی و تضییع نماز و سهل‌انگاری در اجرای دستورهای الهی گیاهان را آب یاری کنیم؟!

عبادة بن صامت ﷺ می‌گوید: شهادت می‌دهم از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: پنج نمازند که خداوند آن‌ها را فرض گردانیده است. هر کس وضوی آن‌ها را به صورت کامل و زیبایی انجام دهد و آن‌ها را در اوقات معینشان به جای آورد، رکوع و سجده و خشوع آن‌ها راکامل کند، او را از سوی خداوند عهدی خواهد بود که حتماً

۱.ابویعلی با سند حسن روایت کرده است. در صحیح الترغیب و الترهیب به‌شماره‌ی ۵۷۵.
۲. صحیح بخاری، باب تضییع الصلاة عن وقتها.
۳. همان.

او را خواهد بخشید. هرکس چنین نکند، او هیچ عهدی نزد خداوند ندارد. اگر خدا خواست، او را می‌بخشد و اگر خواست، او را مجازات می‌کند.[1]

کعب بن عجره ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ نزد ما تشریف آورد و ما هفت نفر بودیم؛ چهار نفر از موالی (بردگان آزاده) و سه نفر عرب بودیم. پشت ما به مسجد رسول خدا ﷺ بود. فرمود: این جا چرا نشسته‌اید؟ عرض کردیم: به انتظار نماز نشسته‌ایم و اندکی سکوت فرمود، سپس رو به ما کرد و فرمود: آیا می‌دانید پروردگارتان چه می‌گوید؟ عرض کردیم خیر، نمی‌دانیم. فرمود: پروردگارتان می‌فرماید: هرکس نماز را در وقت معینِ آن بگزارد و بر آن محافظت کند و به خاطر سبک و کم ارزش شمردن نماز آن را ضایع نکند، چنین کسی را نزدم عهدی خواهد بود که او را به بهشت وارد خواهم کرد و هر کسی آن را در زمان معین و سروقت نگزارد، و به خاطر سبک شمردن و آن را کم اررزش پنداشتن بر آن محافظت نکند و شایع نماید، او را هیچ عهدی نزدم نخواهد بود. اگر خواستم او را مجازات می‌کنم و اگر خواستم او را مورد عفو و بخشش خویش قرار می‌دهم.[2]

عبدالله بن مسعود ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ روزی بر یارانش گذر کرد و به آنان فرمود: آیا می‌دانید پروردگارتان چه می‌فرماید؟ عرض کردند: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند. سه بار این سخن بین آنان تکرار شد. فرمود: می‌گوید: سوگند به عزت و جلالم! که هیچ کس آن را در وقت معینش نمی‌گزارد، مگر آن که او را وارد بهشت خواهم کرد! و هر کسی آن را در غیر وقت معینش بگزارد، اگر خواستم او را مورد لطف و رحمت خویش قرار می‌دهم و اگر هم خواستم او رامجازات خواهم کرد.[3]

چهارم: محافظت بر نماز جماعت

خداوند می‌فرماید:

---

۱. به روایت مالک، ابوداود و ابن حبّان آن را صحیح دانسته اند. در صحیح الترغیب و التزهیب به‌شماره‌ی ۳۹۶ ذکر شده است.
۲. طبرانی در الکبیر الاوسط؛ احمد در صحیح الترغی و الترهیب به‌شماره‌ی ۳۹۷.
۳. طبرانی در (الکبیر)؛ در صحیح الترغیب و الترهیب به‌شماره‌ی ۳۹۸ ذکر شده است.

﴿وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَاةَ وَآتُوا۟ ٱلزَّكَاةَ وَٱرْكَعُوا۟ مَعَ ٱلرَّاكِعِينَ﴾ بقره: ۴۳

«و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و با نمازگزارید.»

ابن کثیر در تفسیر خود می‌گوید: خداوند مؤمنان را امر کرد که همراه نمازگزاران از امت محمد ﷺ به صورت جماعت نماز گزارند. می‌گوید: همراه آنان و از آنان باشید. می‌افزاید؛ بسیاری از علماء از این آیه بر وجوب نماز جماعت دلیل گرفته‌اند.

ابو درداء رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: هیچ سه نفری نیستند که چه در روستا و چه در بادیه که میان آنان نماز برپا نمی‌شود، مگر شیطان بر آنان چیره خواهد شد. لذا جماعت را بر خود لازم گیرید؛ چون گرگ، گوسفند دور و تنها را طعمه‌ی خود قرار می‌دهد.[1]

نیز در حدیث ذکر شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست! در حقیقت تصمیم گرفتم که دستور دهم که هیزم جمع کنند. سپس امر کنم که برای نماز اذان گفته شود، سپس کسی را امر کنم که نماز را برگزار کند، بعد ازآن بروم نزد مردانی که از نماز جماعت تخلف می‌کنند، خانه‌هایشان را بر آنان آتش بزنم. سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست! اگر یکی از آنان می‌دانست که آن جا استخوانی پرگوشت و چرب یا دو سم گوسفند زیبا و چرب می‌یابد، حتماً برای نماز عشا حاضر می‌شد.[2]

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: نماز با جماعت بر نماز تنها، بیست و هفت درجه برتری دارد.[3]

اعمش می‌گوید: از سالم شنیدم می‌گفت که از ام درداء شنیدم، می‌گفت: ابودرداء وارد شد، در حالیکه عصبانی بود. عرض کردم چه چیزی تو را عصبانی کرده است؟ فرمود: قسم به خدا! که من از امت محمد چیزی نمی‌دانم، مگر آن که همگی نماز می‌گزارند.[4]

حافظ ابن حجر می‌گوید: منظور ابودرداء این است که در تمام اعمال مذکور نقص و کاستی و تغییر ایجاد شده است، مگر گردهمایی و تجمع در نماز و این یک امر نسبی است. چون وضعیت مردم در زمان نبوت، بهتر از اکنون بود، همچنین در زمان شیخین -

---

۱. امام احمد در مسند، ابوداود و در صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۵۵۷۷ ذکر شده است.

۲. بخاری؛ مالک؛ نسایی. ۳. بخاری، باب فضل صلاة الجماعة.

۴. بخاری باب فضل صلاة الفجر فی جماعة.

ابوبکر و عمر - بهتر از بعد از دوران آنان بود. این سخن را ابودرداء در اواخر عمر خویش اظهار کردند و آن در روزهای واپسین خلافت عثمان ﷺ بود وقتی که وضعیت، آنچنانکه ابو درداء می‌گوید در آن دوران، طلایی - و خیر القرون - بوده است، وضعیت کسانی که بعد از آنان تا اکنون آمده‌اند چگونه خواهد بود؟

می‌گویم: افسوس و حسرتا! بر ما؛ وقتی که حافظ ابن حجر از عصر خود این چنین می‌گوید: ما در دوران غربت چه خواهیم گفت، که مردم در جمعه و جماعت و سایر نمازها کوتاهی و سهل انگاری کرده‌اند؟ لذا برادر مسلمان، بر حفظ نماز جماعت و پای بندی به آن بسیار حریص باش. این سخن رسول خدا ﷺ را از خاطرتان دور نسازید که می‌فرماید: هان! آگاه باشید که گرگ گوسفندی را طعمه‌ی خویش قرار می‌دهد که از گله دور شده باشد؛ چون شیطان همیشه مترصد دور شدن تو از نماز جماعت است، تا با ترک نماز جماعت بدبخت و ناکام شو، به علاوه هدف نهایی آن (ابلیس) این است که تو نماز و اسلام را رهاسازی. مسجد تنها وسیله‌ی شناخت برادران و دوستان دین با همدیگر است و یگانه راه تقویت رشته‌های محبت میان آنان است. همان اخوت و محبتی که ایمان جز آن به دست نمی‌آید. چون هیچ راهی برای رسیدن به ایمان و بهشت جز راه محبت و دوستی به خاطر خداوند، نمی‌باشد. این سخن رسول خدا ﷺ را خوب گوش کن که می‌فرماید:

«لا تدخلون الجنة حتی تومنوا، و لا تومنوا حتی تحابّوا، أولا أدلكم علی شی اذا فعلتموه تحاببتم، و افشوا السلام بینکم»[1]

(قسم به ذاتی که جانم در دست اوست! تا زمانی که ایمان نیاورده‌اید، وارد بهشت نمی‌شوید، و با ایمان رهم نمی‌شوید، تا وقتی که با همدیگر محبت نکنید. شما را راهنمایی نکنم بر انجام چیزی که هرگاه آن را انجام دادید، میان شما به وجود می‌آید. سلام را میان خودتان گسترش دهید.)

---

۱. به روایت مسلم ودیگران.

فصل دوم

نماز؛ سبب بخشش گناهان

ابوهریره ﷺ می‌گوید از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود «به من بگویید که اگر جلوی در یکی از شما نهری باشد و روزانه پنج‌بار در آن غسل کند، آیا در بدنش چرکی می‌ماند؟ عرض کردند که هیچ چرکی در بدنش نمی‌ماند. فرمود: پس این چنین است، مثال نمازهای پنج‌گانه که خداوند به وسیله‌ی آن‌ها گناهان و اشتباهات را می‌زداید.»[1]

همچنین ابوهریره ﷺ می‌گوید که رسول اکرم ﷺ فرمود: نمازهای پنج‌گانه و جمعه تا جمعه‌ای دیگر، کفاره‌ی گناهانی هستند که میان آن‌ها انجام مـی‌گیرند، بـه شرطی که گناهان کبیره انجام ندهد.[2]

ابوسعید خدری ﷺ می‌گوید از رسول اکرم ﷺ شنیدم که فرمود:

نمازهای پنج‌گانه کفاره‌ی گناهانی هستند که در فواصل آن‌ها انجام می‌گیرد و سپس رسول خدا ﷺ فرمود: بگو ببینم، اگر شخصی کار می‌کرد و میان منزل و کارگاهش پنج نهر بود و او هر وقت به محل کار خود بیاید و هر چه خدا به او توفیق داد، کار کرد و جسم و لباس‌هایش با چرک و عرق آلوده شدند و او هر وقت از کنار نهری می‌گذشت، در آن آب‌تنی کند، آیا این کار او در بدنش چرک می‌گذارد؟ همچنین است تأثیر نماز، هرگاه انسان مرتکب اشتباهی شد و بعد از آن دعا کرد و از خدایش خواستار آمرزش شد، گناهانش بخشوده خواهند شد. پس آن گناهانی را که بین آن دو انـجام داده‌انـد، بخشوده می‌شوند. در فاصله‌ی آن دوباره آتش را روشن می‌کنید. وقتی کـه وقت نـماز نخست فرا رسید فریاد می‌زند: فرزندان آدم، بـرخـیزید و آتشـی را کـه بـر خـودتان

---

۱. بخاری؛ مسلم؛ ترمذی؛ نسایی.
۲. مسلم.

افروخته اید، لذا نمازگزاران بر می‌خیزند، وضو می‌گیرند و نماز ظهر را می‌گزارند و به سبب آن هرگناهی که پیش از آن مرتکب گردیده‌اند آمرزیده می‌شوند. هر گاه وقت نماز عصر فرا رسد مانند آن و هر گاه وقت نماز مغرب فرا رسد، مانند آن و هرگاه وقت نماز عشاء فرا رسد، مثل همان. درحالی می‌خوابند که گناهانشان آمرزیده شده‌اند، مانند یک وارد شونده در خیر و یک وارد شونده در شر می‌باشند.[۱]

طارق بن شهاب می‌گوید که شبی نزد سلمان فارسی رضی الله عنه خوابید، تا ببیند سلمان فارسی رضی الله عنه چکار می‌کند؟ می‌گوید برخاست تا در آخر شب نمازگزارد گویی که طارق بن شهاب آن چه درباره‌ی او گمان می‌کرد، از او ندید. این را به سلمان عرض کرد. سلمان به او گفت: بر همین نمازهای پنج‌گانه محافظت کنید؛ چون آن‌ها کفاره هستند برای همین چیزهایی که سبب مجروح شدن انسانند، تا زمانی که او را نکشته‌اند.[۲]

عمرو بن مرّة الجهنی رضی الله عنه می‌گوید: شخصی خدمت رسول خدا صلی الله علیه وسلم رسید و عرض کرد: ای رسول صلی الله علیه وسلم به من خبر بده که اگر شهادت دهم به این که هیچ معبودی به حق جز الله وجود ندارد، این که تو رسول خدا و فرستاده‌ی او هستی و نمازهای پنج‌گانه را بگزارم، و زکات پرداخت کنم و رمضان را روزه بگیرم و بر قیام رمضان محافظت کنم، آن وقت من از کدام گروه خواهم بود؟ فرمود: تو از گروه صدیقین و شهدا خواهی بود.»[۳]

ابو عثمان می‌گوید: همراه سلمان رضی الله عنه زیر درختی نشسته بودیم. شاخه‌ای برداشت و آن را چنان محکم تکان داد که تمام برگ‌هایش فرو ریخت. سپس فرمود: ای ابو عثمان، از من نمی‌پرسی چرا این کار را کردم؟ عرض کردم که خوب بفرمایید که چرا این کار را کردید؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم با من در حالی که با هم زیر درخت بودیم، چنین برخوردی کرد. از آن شاخه‌ی خشکی برداشت و آن را خوب تکان داد تا که همگی برگ‌هایش فرو ریخت.

فرمود: سلمان! نمی‌پرسی چرا این کار را انجام دادم؟ عرض کردم چرا این کارا کردید.

فرمود: هر گاه سلمان خوب وضو بگیرد، سپس نمازهای پنج‌گانه را بگزارد، گناهانش بسان برگ‌های همین درخت فروخواهند ریخت و نیز تلاوت فرمود:

---

۱. طبرانی در الکبیر.
۲. طبرانی در «الکبیر» موقوفاً با اسناد لابأس به.
۳. بزار و ابن حیان والفاظ از ابن حبان هستند.

﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَاةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفاً مِنَ ٱللَّيْلِ إِنَّ ٱلْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ ٱلسَّيِّئَاتِ ذٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ﴾ هود: ۱۱۴

« در دو طرف روز (که وقت نماز صبح و عصر است) و در اوایل شب که (وقت نماز مغرب و عشاء است) چنان که بایسته است، نماز را به جای آورید؛ چون نیکی‌ها (و از جمله نمازهای پنج‌گانه) بدی‌ها را از میان می‌برد.»

عثمان رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: هیچ مسلمانی نیست که زمان نماز فرضی او را فرا گیرد و او وضو و خشوع و رکوع آن را زیبا سازد، مگر آن که آن نماز برای او کفاره‌ی گناهانش پیش از خود خواهد بود. به شرطی که مرتکب گناهان کبیره نشده باشد و این در تمام عمر ادامه خواهد داشت.[1]

ابو ایوب رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرمود: بی‌شک هر نمازی اشتباهات و لغزش‌های پیش از خود را از بین خواهد بود.»[2]

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می‌گوید: دو تا برادر بودند که یکی از آن دو، چهل شب پیش از برادرش فوت کرد. فضایل وخوبی‌های اولی نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم بیان نشدند. آن حضرت فرمود: مگر دومی مسلمان نبود؟ عرض کردند: چرا یا رسول الله صلی الله علیه و سلم، بد هم نبود. فرمود: شما چه می‌دانید که نمازش او را به کجا رسانده است؟ چون نماز بسان نهر زلال و گوارا و آکنده از آب است که جلوی خانه‌ی یکی از شما قرار دارد و هر روز پنج‌بار در آن آب‌تنی می‌کند، نظر شما چیست؟ آیا چرکی بر بدنش باقی می‌گذارد؟ یقیناً خبر ندارید که نمازش او را به کجا رسانده است.»[3]

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: دو مرد از طایفه‌ی قضاعة به اسلام گرویدند؛ یکی از آنان شهید شده و دیگری بعد از او یک سال زنده ماند. طلحه بن عبیدالله گفت: آن که یک سال بعد وفات کرد، در خواب دیدم که قبل از شهید وارد بهشت شد. از این کار شگفت زده شدم. صبح خدمت رسول خدا رفتم و داستان را برای آن حضرت تعریف کردم، یا آن داستان برای آن حضرت تعریف شد. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: مگر او بعد از شهید (شدن آن رفیقش) رمضان را روزه نگرفته است و شش هزار رکعت نماز فرض نگزارده

---

۱. به روایت مسلم. ۲. به روایت امام احمد با سند حسن.
۳. مالک، احمد و نسایی با سند حسن.

است و چندین رکعت نماز سنت نگزارده است؟ در روایتی صحیح از ابن حبان آمده است که میان آن دو فاصله‌ای بیش از فاصله‌ی آسمان‌ها و زمین است.

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: هرگاه انسان برخیزد و به نماز بپردازد، کلیه‌ی گناهانش آورده می‌شوند و بر سر و گردن او نهاده می‌شوند. پس هرگاه رکوع یا سجده کند، از سر و گردنش دور انداخته می‌شوند.[۱]

ثوبان رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: استقامت کنید چون هرگز نخواهید توانست که بر آن محافظت کنید و بدانید که بهترین اعمال شما نماز است و بر وضو جز مؤمن کسی دیگر نمی‌تواند مواظبت کند.[۲]

ابومالک اشعری رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: پاکیزگی نصف ایمان است. و «الحمدالله» میزان را پر می کند. «سبحان الله و الحمدالله» آن چه میان آسمان و زمین هست، پر می‌کنند. نماز نور است. صدقه، دلیل است. شکیبایی، روشنایی است. قرآن حجتی است برای تو یا حجتی است بر تو.[۳]

ابوذر رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در زمستان بیرون تشریف برد، در حالی که برگ درختان داشتند می‌ریختند. شاخه‌ی درختی را برداشت. ابوذر گفت، برگ‌های آن شاخه داشتند می‌ریختند فرمود: ابوذر، عرض کردم ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم، به گوشم. فرمود: بی شک انسان مسلمان نماز را می‌گزارد و هدفش کسب رضایت و خشنودی خداوند است و گناهانش همان‌طور که این برگ‌ها از این درخت فرومی‌ریزند، فروخواهند ریخت.[۴]

ربیعة بن کعب می‌گوید: با پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شب را می‌گذراندم. باری آب وضو و آن چه نیاز داشت، برای آن حضرت آوردم. به من فرمود: طلب کن، عرض کردم که همراهی شما را در بهشت طلب می‌کنم. فرمود: غیر از آن. عرض کردم: همان کافی است. فرمود: پس مرا بر خودت و با کثرت سجده کمک کن.[۵]

---

۱. طبرانی در الکبیر؛ بیهقی درالسنن؛ در صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۱۶۷.
۲. حاکم، ابن حبان، صحیح الترغیب و الترهب به‌شماره‌ی ۳۷۵.
۳. مسلم.
۴. به روایت احمد با سند حسن.
۵. مسلم و دیگران، لفظ از مسلم است.

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: نماز بهترین فروگذارنده است. لذا هر کسی می‌تواند بیشتر انجام دهد پس باید بیشتر انجام دهد.[۱]

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ از کنار قبری گذشت، فرمود: صاحب این قبر کیست؟ عرض کردند: فلانی است. فرمود: دو رکعت نماز نزد این از دنیای شما بهتر و محبوب‌تر است.[۲]

فواید و آموزه‌های احادیث گذشته

۱. خداوند با برگزاری نمازهای پنج گانه گناهان را محو می‌کند.

۲. به شرط اجتناب از گناهان کبیره، نمزاهای پنج گانه کفاره گناهانی می‌شوند که در فواصل آنها انجام گرفته‌اند.

۳. گناهان انسان را می‌سوزانند و هلاکش می‌کنند. لذا خاموش کردن آن با نمازهای پنج گانه ضروری است.

۴. مسلمان با نماز و زکات، و روزه به مقام صدیقین و شهداء می‌رسد.

۵. برتری نماز بر سایر اعمال به شرط بهره‌مندی نمازگزار از عقیده صحیح و سالم.

۶. خداوند به ورود بهشت بر صحابی که بعد از برادر شهیدش فوت کرد منت گذاشت. چون بیش از او نمازگزارده بود.

۷. نماز نوری است که راه انسان را در دنیا و آخرت روشن می‌کند.

۸. کثرت سجده و نماز وسیله‌ی همراهی با نبی اکرم ﷺ دربهشت هستند.

۹. نمازگزاردن دو رکعت نماز نزد مرده از دنیا و آن چه در آن هست، محبوبتر می‌باشد.

۱۰. خالی کردن قلب و اختصاص آن فقط برای خدا در نماز، مسلمان را در چنان حالتی قرار می‌دهد که تازه از مادرش متولد شده باشد.

---

۱. طبرانی درالاوسط به شیخ آلبانی می‌گوید: حدیث دارای شواهدی هست که آن را تقویت می‌کند. شیخ می‌افزاید حدیث إن شاءالله حسن است.

۲. طبرانی درالاوسط با سند حسن.

فصل سوم

تأثیر نماز در ترک گناه و تزکیه‌ی نفس

خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِ﴾ عنکبوت: ۴۵

«و نماز را چنان که بایسته است، برپا دارید، که حتماً نماز انسان را از گناهان بزرگ و کارهای ناپسند باز می‌دارد.»

خداوند در این آیه تبیین می‌کند که نماز خاشعانه و فروتنانه‌ی صحیح، حتماً نمازگزار را از فحشا و منکر باز می‌دارد و او را به خیر و کارهای شایسته رهبری می‌کند. از این روی است که بهترین و زیباترین افراد با تفاوت در خوبی‌ها و بدهی‌هایشان، اهل مساجد هستند.

اگرچه نماز ما را از فحشا و منکر باز ندارد، باز هم لازم است که در علت دقت شود و با دقّت بررسی و اصلاح شود: اصلاح نماز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. هیچ گریزی از خشوع درآن نیست. باید در اسباب بنگریم، در درمان باید بکوشیم. همان‌گونه که جسم‌ها را از بیماری‌ها درمان می‌کنیم، علاج نفس‌ها، لازم‌تر و شایسته‌تر است. مطلب فوق را این حدیث رسول اکرم ﷺ بیش‌تر تبیین می‌کند. اولین چیزی که انسان از آن در روز قیامت محاسبه می‌شود، نماز است. اگر آن اصلاح شود، تمام اعمال او اصلاح خواهند شد. اگر نماز خراب شد، اعمال او نیز فاسد خواهند شد.[1] در درست بودن نماز، درست بودن تمام اعمال نهفته است؛ چون جایگاه نماز در اعمال، همانند جایگاه

---

۱. طبرانی در الاوسط؛ الفسیاء از انس رضی الله عنه؛ در صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۲۵۷۱.

سر با جسم است و نزدیک‌ترین مقام که انسان با پروردگارش نزدیک می‌شود، نماز است. پروردگارش را فرا می‌خواند و از او طلب آمرزش می‌کند و به سوی او باز می‌گردد و در برابر پروردگار می‌گرید و اشک می‌ریزد. تا زمانی که عقیده اصلاح نشود، نماز اصلاح نشدنی نخواهد بود؛ چراکه نماز توأم با عقیده در آن مراقبت خداوندی و بیم از ذات یگانه‌اش خواهد بود و نیز ایستادن در برابر خداوند برای حساب پس دادن و ترس و هراس از سوز آتش، هرگاه از نماز بیرون بیاید و با معاصی و گناهان و لغزش‌ها مورد فتنه و آزمایش قرار گیرد، حتماً برای رفع و دور ساختن آن در اعماق قلبش نیرو وقدرتی خواهد یافت؛ چون وی به لذت گذرا و فناپذیر می‌نگرد و نیز به نعمت هایی می‌نگرد که فناپذیر نیستند و جاودانه و همیشگی‌اند و به سعادت و خوش‌بختی نگاه می‌کند که در آن گسستی نیست. لذا با یک مقارنه و مقایسه خیر پایدار و همیشگی را بر خیر زوال‌پذیر و ناپایدار و فناشدنی مقدم می‌دارد.

چه بسا نماز انسان به خاطر قلت (کمی) مراقبت الهی و ضعف تقوا فاسد شود؛ چرا که چنین نمازی خشیت و بیمی تولید نمی‌کند تا بین انسان و گناهانش حایلی بشود!

چنان که در حدیث آمده است: هان! آگاه باشید که در جسم تکه‌ی گوشتی است که اگر اصلاح شود، تمام جسم اصلاح خواهد شد و اگر گندیده و فاسد شود، تمام جسم فاسد و گندیده خواهد شد و آن تکه‌ی گوشت قلب است.[1]

بنابراین، در اصلاح و بهبود قلب، اصلاح و بهبود سایر جسم نهفته است و بهبود و سلامت جسم در گرو بهبود و سلامت قلب می‌باشد. در فساد و گندیدگی قلب، فساد و گندیدگی تمام جسم نهفته است. هر گاه قلب اصلاح شد، دست اصلاح خواهد شد و هرگاه دست اصلاح شد، دزدی نمی‌کند و به حرام و ممنوع دست درازی نمی‌کند. هرگاه پا اصلاح گردید، به سوی کارهای حرام گام بر نمی‌دارد و هرگاه گوش اصلاح شد، به موسیقی حرام و سخن‌چینی و غیبت گوش فرا نمی‌دهد، و هرگاه زبان اصلاح گردید، جز خیر چیزی دیگر نمی‌گوید. چنان چه قلب فاسد و گندیده شد، فساد سایر اعضای بدن را در پی خواهد داشت که آن وقت اعضا و جوارح جز به سمت فساد، به سمت و سویی دیگر نخواهند رفت.

---

۱. بخاری و مسلم و دیگران، از نعمان بن بشیر رضی الله عنه

قضیه‌ی اصلاح و فساد قلب گرو در نماز است که اگر نماز زیبا گزارده شود و با تمام شرایط خویش اقامه شود، این قطعاً بر سودمند شدن قلب واصلاح آن دلالت خواهد کرد، و اگر چنین نباشد حتماً بر عدم سودمندی وعدم انتفاع و بر فساد و قلب دلالت خواهد کرد که در پی آن منکرات و پستی‌ها آشکار شده و اعضا و جوارح را فرا خواهند گرفت.

نیک بدان هر نمازی که توأم با خشوع و خضوع گزارده شود، حتماً قلب را برای انجام کارهای شایسته، فعال و با نشاط خواهد ساخت و آن را بر انجام کارهای خیر موفق و آماده خواهد کرد. همان‌گونه که هر عمل پاک و شایسته‌ای که بیرون از نماز انجام می‌گیرد، به خشوع آن خواهد افزود. در حدیث آمده است:

«علیکم بقیام اللیل و أنّه داب الصالحین قبلکم و قربة الی اللّٰه و منهاة عن الاثم و تکفیر للسئیات»[1]

(نماز شب، تهجد را بر خود لازم میگیرید؟ چون آن شیوه و خصلت نیکان و صالحان پیش از شما بوده است و مایه‌ی قرب و نزدیکی با خداست و باز دارنده‌ای از گناه و زداینده‌ی بدی‌ها و زشتی هاست.)

نبی ﷺ، این گونه بیان داشته است که نماز شب بازدارنده‌ای از گناه است؛ چون آن شب زنده دار را از گناه و منکر باز می‌دارد و به نیکی و کار خیر امر می‌کند. لذا از برگزاری نماز در قلب شب چاره‌ای نداریم و جهت برپایی آن باید تلاش مزید انجام دهیم و با خشوع و فروتنی در برابر خدای سبحان بایستیم و به خاطر کوتاهی و سهل انگاری‌مان قلب‌ها باید بگریند و اشک ندامت بریزند و مدام به رحمت پروردگارمان امیدوار باشیم. به خدای سبحان متوسل شویم که ما را پایدار و ثابت قدم نگه دارد و ما را از نماز و قیام و شب زنده‌داری‌مان سود برساند.

به رسول اکرم ﷺ گفته شد که: فلان کس تمام شب را نماز می‌گزارد، اما در روز دست به سرقت می‌زند! فرمود: اگر درست می‌گویید، حتماً نمازش او را از این کار باز خواهد داشت. یا فرمود: حتماً نمازش او را از این کار منع خواهد کرد![2]

---

۱. مسند امام احمد؛ امام ترمذی و دیگران؛ در صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۱۳۹۵۸.
۲. احمد و البزار و دیگران شیخ آلبانی در سلسلة الاحادیث الصنع، ص ۱۶ آن را صحیح قرار داده است.

بنابراین، هرگاه نماز انسان بدین درجه در بازداشتن نمازگزارد در انجام گناه برسد، قطعاً برای صاحب خودش کتابی در علّیین خواهد بود، همان طور که در حدیث ذکر شده است:

«صلاة فی اثر صلاة: لا لغو بینهما، کتاب فی علیین»[1]

(هر نمازی که بعد از آن نمازی دیگر گزارده شود، و میان آن دو نمازکارهای بیهوده‌ای مرتکب شود، حتماً آن نمازکتابی در علیین خواهد بود.)

فراموش نکنیم که یقیناً نماز ما را از منافذ بدی و خروجی آن باز خواهد داشت، چنان که ابوهریره از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند:

«إذا خرجت من منزلک، فصلّ رکعتین تمنعانک مخرج السوء[2] و اذا دخلت إلی منزلک، فصلّ رکعتین تمنعانک مدخل السوء.»

(هرگاه خواستی از خانه‌ای خارج شوی، دو رکعت نماز بگزار که آن دو حتماً تو را از خروجی بدی باز خواهند داشت و هرگاه وارد منزل خود شدی، نیز دو رکعت نماز بگزار که حتماً آن تو را از ورودی بد باز خواهند داشت.)

---

۱. ابوداود و دیگران، صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۳۷۳۱.
۲. البرار، بیهقی در شب الایمان و در صحیح الجامع، به‌شماره‌ی ۵۱۸.

فصل چهارم

عقبة بن عامر ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: هر کسی که وضو کند و وضوی خویش را کامل و زیبا بگیرد و سپس دو رکعت نماز گزارد و با قلب و صورت خویش متوجه آن باشد، حتماً ورود بهشت برای او الزامی خواهد شد.[1]

زید بن خالد الجهنی ﷺ می‌گوید رسول اکرم ﷺ فرمود: هر کس وضو کند و آن را کامل و زیبا سازد، سپس دو رکعت نماز گزارد و در آن اشتباه نکند و غافل نشود، حتماً گناه گذشته‌ی او بخشوده خواهد شد.[2]

حمران مولی عثمان بن عفان ﷺ می‌گوید که عثمان بن عفان ﷺ را دیدم که برای وضو آب خواست. سپس از ظرفی که آب در آن بود، بر دستان خویش آب ریخت و آن‌ها را سه بار شست. سپس دست راستش را داخل ظرف آب کرد. بعد از آن مضمضه و استنشاق نمود. سپس سه بار صورت و دستان خویش را تا آرنج سه بار شست. بعد از آن سر خویش را مسح نمود و پاهایش را سه بار شست. سپس فرمود: رسول خدا ﷺ را دیدم که به همین کیفیتی که من وضو گرفتم، او نیز وضو گرفت. سپس فرمود: هر کس وضو کند به مانند این وضوی من و بعد از آن دو رکعت نماز گزارد و در آن با خویشتن مشغول نشود و دچار غفلت نگردد. حتماً گناه گذشته‌اش آمرزیده خواهد شد.[3]

در قسمت پایانی حدیث عمرو بن عبسه ﷺ چنین آمده است: اگر او برخیزد و نماز گزارد و سپس حمد و ستایش خدای را گوید و او در آن‌گونه که شایسته و سزاوار اوست، تمجید کند و قلبش را برای خدای متعال فارغ سازد، او را از گناهانش بعد از آن نماز چنان پیراسته می‌گردد که گویی تازه از مادرش متولد شده است.

---

۱. مسلم.
۲. صحیح الترغیب و الترهیب، به‌شماره‌ی ۲۲۳.
۳. بخاری و مسلم و .

جابر ﷺ می‌گوید: از رسول اکرم ﷺ درباره‌ی دور کردن سنگ‌ریزه‌ها(یی که) در نماز (به پیشانی چسبیده‌اند) پرسیدم. فرمود: یک بار این کار را بکن، اگر از بازی و دور کردن آن‌ها دست نگه داری، برایت از صد شتر بهتر خواهد بود که همه‌ی آن شتران سیاه چشم خواهند بود.[۱]

فضیلت شب زنده داری و تأثیرش در افزایش ایمان

اگر مسلمان درباره‌ی مفاهیم سوره‌ی مزمّل تدبر کند و در ژرفنای معانی آن نیک بیندیشد، البته در آن بزرگ ترین عبرت‌ها و بالاترین درس‌ها را خواهد یافت.

خداوند سبحان پیامبر خویش را به قیام و شب زنده داری دستور داد. در حالی‌که آن حضرت ﷺ در سخت‌ترین شرایط قرار داشت: چنان شرایطی بود که رسول اکرم ﷺ در آن به یاری و پشتیبانی و نصرت، نیاز شدید داشت. در سوره‌ی مزمل چنین می‌خوانیم:

﴿يَا أَيُّهَا ٱلْمُزَّمِّلُ ۞ قُمِ ٱللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً﴾ مزمّل: ۲ـ۱

«ای جامه به خود پیچیده. به شب برخیز و جز اندکی از آن بیدار بمان.»

مفاهیم و معانی که در این آیات نهفته است. در واقع عامل تربیت و تزکیه‌ی نفس و صیقل و پیراستگی قلب می‌باشد و نیز مایه‌ی تقویت و تثبیت برای قلب رسول اکرم ﷺ می‌باشد.

در ابتدا قیام و شب زنده داری بر نبی اکرم ﷺ و یارانش ﷺ فرض بود، چنان که در صحیح مسلم[۲] در حدیث طولانی که زرارة ﷺ روایت می‌کند، آمده است. می‌گوید: عایشه ﷺ فرمود: مگر تو سوره‌ی مزمّل را نمی‌خوانی؟ عرض کردم: بلی، فرمود: خداوند در ابتدای این سوره قیام شب (تهجد) را فرض گردانید و رسول اکرم ﷺ و یارانش به مدت یک سال قیام کردند و خداوند پایان سوره[۳] را دوازده ماه در آسمان نگه داشت تا در آخر سوره برای پیامبر و امتش تخفیف نازل فرمود. لذا قیام شب (تهجد) بعد از فرضیت تبدیل به نفل شد.

---

۱. به روایت ابن خزیمه و حدیث در صحیح الترغیب و الترهیب، به‌شماره‌ی ۵۵۸.
۲. مسلم، باب جامع الصلاة اللیل و من نام عنه او مرض.
۳. بخش پایانی سوره مزمل آن ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و نضع و ثائه و طائفه من الذین

بنابراین، برای نماز شب اسرار و فوایدی خواهد بود. در واقع آن مرحله‌ی آماده سازی و پرورش مردان است. نماز شب قلب‌ها را بر حق پایدار خواهد کرد و بر قوت قلب‌ها خواهد افزود. نماز شب در واقع رمز موفقیت است. نماز شب انسان را از اشتباهات و گناهان دور می‌سازد و به ایمان می‌افزاید و انسان را به قافله‌ی صالحین پیوند می‌دهد و او را به مقام محسنین می‌رساند، که در این مرحله خدای را چنان عبادت کند که گویی او را می‌بیند و اگر نمی‌بیند، خداوند قطعاً او را می‌بیند.

ابوهریره ﷛ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: وقتی که انسان می‌خوابد، شیطان بر قسمت پشت سر او[1] سه گره می‌زند و بر هر گرهی چنین می‌گوید که بخواب، شب خیلی دراز است، اگر بیدار شود و ذکر و نیایش خدای سبحان را به جای آورد، حتماً یک گره باز خواهد شد. اگر وضو کند گرهی دیگر باز خواهد شد و اگر نماز گزارد، تمام گره‌ها باز خواهد شد و شخص با شادابی و نشاط و با نفسی پاک وسبک بال صبح خواهد کرد. و اگر به فرمان شیطان گوش فرا دهد سنگین و بدحال و کسل خواهد بود.[2] در روایتی دیگر چنین ذکر شده است: با شادابی و نشاط و پاکیزگی نفس صبح می‌کند، در حالی که به‌خیر دست یافته است. اگر چنین نکند و از خواب گران بیدار شود و به وسوسه‌ی شیطان تسلیم شود، در حالی صبح خواهد کرد کسل و سنگین و خبیث النفس خواهد بود و به هیچ خیری دست نخواهد یافت.[3]

جابر ﷛ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: هیچ مرد و زنی نیستند که می‌خوابند،

---

۱. استاد ناصرالدین آلبانی در صحیح الترغیب می‌گوید: تفسیر العقد گره‌ها سخنانی است که نزدیک ترین آن انس است که بر آن حقیقت حمل می‌شود. به مفهوم سحر از سوی شیطان برای انسان و باز داشتن او از قیام و شب زنده‌داری. همان‌گونه که ساحر با سحر خود بر نخ گره می‌زند. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ﴾ (فلق: ۴) *«از شر کسانی که در گره‌ها می‌دمند.»*
کسی که فروگذارده شود و به خود واگذارده شود، این سحر در او اثر خواهد کرد. اما کسی که موفق شود و یاری و کمک خداوند نصیبش گردد، در او هیچ اثری نخواهد گذاشت و از جمله چیزی که نشان می‌دهد که آن بر حقیقت خود حمل می‌شود، حدیثی است که ابن ماجه از ابوهریره ﷛ روایت می‌کند: بر بالای سر یکی از شما طنابی است که در آن سه گره زده شده است. حدیث را ابن خزیمه ذکر کرده است و مصنف نیز حدیث را در متن کتاب ذکر کرده است.

۲. بخاری و مسلم.

۳. ابن ماجه.

مگر این که بر سرشان نخی گرده زده شده است. اگر بیدا شوند و خدا را ذکر کنند، یک گره باز خواهد شد و اگر برخیزند و وضو بگیرند و نماز گزارند، تمام گره‌ها بازخواهند شد. سبک بال و با نفسی شاداب و سرحال درحالی که به خیر دست یافته‌اند، صبح خواهد کرد.[۱]

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین روزه، بعد از روزه‌ی ماه رمضان، روزه‌ی ماه محرم است و بهترین نماز بعد از نماز فرض، نماز شب (تهجد) است. عبدالله بن عمر ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: در بهشت اتاقی است که نمای آن از درون و درونش از بیرون دیده می‌شود. ابومالک اشعری عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ، این اتاق از آن کیست؟ فرمود: از آن کسی است که خوش‌کلام و راست‌گفتار باشد و نیازمندان را غذا دهد و شب زنده‌داری کند، در حالی که سایر مردم خوابند.[۲]

مغیرة بن شعبه ﷺ می‌گوید: رسول اکرم به قدری قیام و شب زنده داری می‌کرد که پاهای مبارک ورم می‌کردند. به ایشان گفته شد: شما چرا خودتان را این قدر به زحمت می‌اندازید، در صورتی که خداوند گناهان گذشته و آینده‌ی شما را آمرزیده است؟ فرمود: با این کار دوست دارم که بنده‌ی شکر گزار خدا باشم.[۳]

عبدالله بن عمر ﷺ می‌گوید:رسول اکرم فرمود: بهترین نماز نزد خدا، نماز داود ﷺ است و بهترین روزه نزد خدا، روزه‌ی داود است. شیوه‌ی ایشان بدین صورت بود که نصف شب را می‌خوابید و یک سوم آن را قیام می‌کرد و نیز یک ششم آن را می‌خوابید. یک روز روزه می‌گرفت و یک روز افطار می‌کرد.[۴]

جابر ﷺ می‌گوید: شنیدم که رسول اکرم ﷺ فرمود: در شب لحظه‌ای است که اگر دعای هر مسلمانی با آن هم زمان و هماهنگ شود و او در آن از خداوند خیر دنیا و آخرت را طلب کند، خداوند حتماً خواسته‌ی او را برآورده خواهد کرد و آن در هر شب هست.[۵]

---

۱. روایت ابن خزیمه در صحیح خود.
۲. به روایت طبرانی در الکبیر، با اسناد حسن حاکمه گفته است که بر شرط شیخین صحیح است.
۳. بخاری و مسلم.
۴. بخاری و مسلم.
۵. مسلم.

ابوامامه باهلی ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: شب زنده داری را بر خود لازم بگیرید، چون آن شیوه و خصلت نیکان پیش از شماست و مایه‌ی قربت و نزدیکی به پروردگار و سبب نابودی بدی‌ها و باز دارنده‌ای از گناه می‌باشد.[۱]

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: خداوند مرحمت کند، مردی را که شب بیدار شد و نماز گزارد و همسرش را نیز بیدار کرد. اگر نخواست و بیدار نشد، به صورتش آب بپاشد و خداوند زنی را مورد لطف و مرحمت خویش قرار دهد که شب بیدار بشود و نماز گزارد و شوهرش را نیز بیدار کند و اگر نخواست بیدار شود، به صورتش آب بپاشد.[۲]

ابوهریره و ابوسعید ﷺ می‌گویند: رسول اکرم ﷺ فرمود: هروقت مرد در شب همسرش را بیدار کند و نماز گزارند یا با هم دو رکعت نماز بگزارند، حتماً در گروه ذکران و ذاکرات، مردان ذکر کننده و زنان ذکر کننده، نوشته خواهند شد.[۳]

ابو درداء ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: سه کس هستند که خداوند آنان را دوست می‌دارد و در برابرشان لبخند می‌زند [۴] و از کارشان شادمان و خرسند می‌شود و به آنان مژده و نویده می‌دهد: یکم، همان کسی است که اگر گروهی شکست خورد و او به خاطر خدای عزوجل خودش به تنهایی به تعقیب آن بپردازد و با آن بجنگد، یا کشته و یا خداوند او را پیروز کرده و او را بسنده خواهد شد، خداوند می‌فرماید: «به این بنده‌ام بنگرید که چگونه به خاطر من صبر پیشه کرد». دوم، همان کسی است که زنی زیبا و رخت خوابی نرم دارد، ولی شب از خواب لذیذ و گران بیدار می‌شود. خداوند می‌فرماید:«این کس به خاطر خشنودی من لذت و شهوت خویش را رها می‌سازد و مرا یاد می‌کند، او می‌توانست در رختخواب نرم و زیبای خویش بخوابد». سوم، کسی که در سفر است وهمراهش کاروانی است و آن کاروان شب‌نشینی کردند و سپس خوابیدند، اما او هنگام سحر در خوشی و ناخوشی بیدار شد و شب زنده داری کرد.[۵]

---

۱. امام احمد در المسند ترمذی و دیگران، صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۳۹۵۸.
۲. ابوداود، نسایی، ابن ماجه، ابن خزیمه و ابن حبان و حاکم.
۳. به روایت نسایی و ابن ماجه.
۴. خنده و لبخند خداوند حقیقی است و لایق و سزاوار جلال و کبیریایی اوست، بدون بیان کیفیت و مثال.
۵. به روایت الطبرانی با اسناد حسن.

ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: پروردگار ما از کار دو نفر شادمان شد و تعجب کرد: نخست، کسی که از رختخواب و لحاف خویش از میان اهل و دوستانش به سوی نماز خویش برخاست. خداوند درباره‌ی او می‌فرماید: «فرشتگانم، به این بنده‌ام بنگیرید که از رختخواب و بستر خویش از میان اهل و دوستانش به سوی نمازش برخاست، آن هم به خاطر رغبت و علاقه‌ی او به آن چه که نزد من هست و نیز به خاطر بیم وترس از آن چه که نزدم هست این کار را انجام داد. دوم، کسی که در راه خدا برای جهاد اقدام کرد و یارانش شکست خوردند و دانست که به خاطر شکست چه مسئولیت سنگینی بر دوش او نهاده شده است و گناه برگشت را نیز در ذهن خود مجسم کرد. لذا برگشت به قلب معرکه و چنان جنگید تا خونش ریخت. خداوند بر فرشتگانش می‌فرماید: به بنده‌ام نگاه کنند که برگشت به خاطر امید و چشم‌داشت آن چه که لزوم هست و نیز به خاطر بیم و هراس از آن چه که نزدم است تا که خونش ریخته شد.[۱]

در روایتی دیگر که بر عبدالله بن مسعود موقوف است و حکم مرفوع را دارد، چنین آمده است: بی‌شک خداوند در برابر کار دو نفر می‌خندد: یکم، مردی که در شب سرد از رختخواب و لحاف و بستر نرم خود برخاست و وضو کرد سپس به نماز ایستاد. خداوند به فرشتگان خود می‌فرماید: «بنده را چه چیزی وادار کرد تا چنین کند؟ عرض می‌کنند که پروردگارا، این کار را به خاطر امید و چشم‌داشت به آن چه که نزد توست و نیز به خاطر بیم از آن چه که نزد توست انجام داد. می‌فرماید: پس هم آن چه را به او آرزو کرده و امید داشته است به او بخشیده و عطا کردم و از آن چه که بیم داشته است، امانش دادم.»[۲]

عقبه بن عامر رضی الله عنه می‌گوید: از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: کسی از امت من شبانه از خواب بر می‌خیزد و خویشتن را به آب وضو می‌رساند، درحالی که بر او گروهی است. چون دستانش را بشوید، گرهی گشوده می‌شود، و اگر صورتش را بشوید، گرهی دیگر باز می‌شود و هر وقت سرش را مسح کند، گرهی دیگر باز می‌شود و هر گاه

۱. امام احمد و ابویعلی و دیگران.
۲. صحیح الترغیب به‌شماره‌ی ۶۲۶.

پاهایش را بشوید، گرهی دیگر باز خواهد شد. خداوند به کسانی که پشت پرده هستند، می‌گوید: به این بنده‌ام نگاه کنید که خویشتن را به آن چه که امر کرده‌ام وادار کرده و از من طلب می‌کند. لذا این بنده‌ام هر چه سؤال کند (هر چه بخواهد) به او خواهم بخشید و به خواسته‌اش خواهد رسید.[۱]

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: غبطه جایز نیست، مگر در دو چیز: نخست، به کسی که خداوند به او قرآن را عنایت کرده است و او در لحظات شب و در لحظات روز به تلاوت و اجرای احکام آن می‌پردازد. دوم، کسی که خداوند به او ثروتی بخشیده است و او در لحظات شبانه‌روز آن را در راه خدا انفاق می‌کند.[۲]

فضالة بن عبید و تمیم الداری رضی الله عنهما می‌گویند: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کس در شب ده آیه از قرآن تلاوت کند، برای او یک قنطار ثواب نوشته می‌شود و قنطار از دنیا و آن چه در آن هست، بهتر می‌باشد. در قیامت پروردگارت می‌فرماید: بخوان و بالا برو و با هر آیه‌ای یک درجه و یک پلکان را می‌توانی طی کنی، تا به آخرین آیه‌ای که همراهش است، می‌رسد. آن وقت خدای عزوجل به بنده ایش می‌فرماید: به‌چنگ بگیر، بنده به‌دست خودش می‌گیرد وعرض می‌کند: پروردگارا، تو داناتر هستی چه چیزی را بگیرم! می‌فرماید: این جاودانگی و این نعمت و بهشت جاودانه را به چنگ گیر![۳]

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید:رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کس در شب به تلاوت ده آیه از قرآن بپردازد، از گروه غافلان نوشته نمی‌شود و هر کس به تلاوت صد آیه از قرآن اقدام کند، از گروه قانتان نوشته خواهد شد و هرکس به تلاوت هزار آیه بپردازد، برایش ثواب از گروه مقنطرین نوشته خواهد شد.[۴]

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: هرکس در شب با صد آیه نماز گزارد، از گروه غافلان نوشته نمی‌شود و هر کسی در شبی با دویست آیه نمازگزارد از گروه قانتان و مخلصان نوشته خواهد شد.[۵]

---

۱. امام احمد و ابن حبان در صحیح خود متن از ابن حبان است.
۲. امام مسلم.
۳. به روایت الطبرانی در الکبیر و الاوسط با اسناد حسن.
۴. ابوداود، ابن خزیمه در صحیحش.
۵. به روایت ابن خزیمه حاکم می‌گوید: حدیث بر شرط مسلم صحیح است.

فواید احادیث گذشته:

۱ ـ قطعاً نماز در باز کردن گره‌هایی که شیطان بر پشت سر انسان می‌زند، کمک خواهد کرد.

۲ ـ بی شک بهترین نماز بعد از نمازفرض، نماز شب، تهجد، است.

۳ ـ شب زنده دار، به اجر و ثوابی دست می‌یابد که بسیاری از مردم نمی‌توانند به آن دست رسی پیدا کنند.

۴ ـ انسان با نماز و شب زنده داری، عملاً از خدایش تشکر می‌کند.

۵ ـ بهترین نماز نزد خدای عزوجل، نماز داود است. قیام یک سوم وخواب دو سوم.

۶ ـ بی شک خداوند با استجابت دعای بندگانش در پاسی از شب بر آنان منت نهاده است که شایسته‌ی مسلمان است که آن لحظه را در شب جست و جو کند، و برای همزمان شدن دعایش با آن، تلاش نماید. امید است او از خیر دنیا و آخرت در همان لحظه از سوی خدایش بهره‌مند شود.

۷ ـ قیام و شب زنده داری نشان صلاحیت و تقوای بنده است که بدی‌ها را محو می‌کند و از ارتکاب گناه باز می‌دارد.

۸ ـ یقیناً خداوند زن و شوهری را که همدیگر را در شب زنده داری یاری و توصیه می‌کنند، مشمول رحمت خویش قرار می‌دهد که اگر یکی از آنان از خواب برخاست، بر چهره‌ی دیگری با نرمی آب بپاشد و او را از خواب بیدار کند.

۹ ـ بی‌شک گزاردن دو رکعت نماز در شب، انسان را از ذاکران زیاد (فراوان ذکر کننده‌ها) – چه مردان و چه زنان – قرار می‌دهد.

۱۰ ـ خداوند از کار مردی شاد خواهدشد که از بستر و لحاف و از میان اهل و دوستانش به سوی نماز بر می‌خیزد و در برابر او می‌خندد و از کار او نزد فرشتگان فخر و مباهات می‌کند.

۱۱ ـ این که غبطه و رقابت جایز نیست، مگر در دو چیز؛ یکی از آن دو قیام و شب زنده‌داری با تلاوت کتاب الهی می‌باشد.

۱۲ ـ هرکس ده آیه از قرآن کریم را در شبی تلاوت کند، از غافلان نوشته نمی‌شود و برایش قنطاری پاداش نوشته خواهد شد، و در قیامت خداوند به او می‌گوید: بخوان و

بالا برو و در قبال هر آیه‌ای برایت یک پلکان است. تا به آخرین آیه‌ای که همراه اوست می‌رسد. خداوند با ورودش در بهشت جاویدان بر او منت می‌نهد.

۱۳ ـ آخراین که هرکس با تلاوت صد آیه شب زنده داری کند، از گروه قانتین نوشته خواهد شد و هرکس با تلاوت هزار آیه شب زنده داری کند، از گروه مقنطرین نوشته خواهد شد. هر قنطاری از دنیا و آن چه در آن است، بهتر خواهد بود. هرکس در شبی با دویست آیه قیام کند، از گروه قانتین و مخلصین نوشته خواهد شد.

سفارش متقابل زن و مرد برای شب زنده داری

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: خداوند مرحمت کند مردی را که پاسی از شب بیدار شود و نماز گزارد و همسرش را نیز بیدار کند و اگر نخواست بیدار شود، بر صورتش، بانرمی، آب بپاشد. خداوند نیز مرحمت کند، زنی را که پاسی از شب بیدار بشود و نماز گزارد و شوهرش را نیز بیدار کند، اگر نخواست بیدار شود، با نرمی بر صورتش مقداری آب بپاشد.[۱]

محبوب‌ترین نماز نزد خدا

عبدالله بن عمر ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: محبوب‌ترین روزه نزد خدا، روزه‌ی داود ﷺ است. شیوه‌ی وی چنین بود: ایشان یک روز را روزه می‌گرفت و یک روز را افطار می‌کرد و محبوب‌ترین نماز نزد خداوند نماز داود ﷺ است. شیوه ایشان چنین بود: نصف شب را می‌خوابید و یک سوم آن (شب) را قیام می‌کرد و یک ششم دیگر آن را نیز می‌خوابید.[۲]

توجه کامل خدا به بنده در نماز

حارث بن حارث اشعری ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: هر وقت به نماز

---

۱. ابوداوود، نسایی، ابن ماجه و دیگران و در صحیح الترغیب و الترهیب به‌شماره‌ی ۶۲۱.
۲. بخاری و مسلم و مسند امام احمد.

برخاستید، این طرف و آن طرف نگاه نکنیا؛ چراکه خداوند با چهره‌ی خویش کاملاً متوجه بنده‌اش می‌شود. این وضع تا زمانی ادامه دارد که بنده این سو و آن سو نگاه نکند.[۱]

یاری جستن با نماز

خداوند می‌فرماید:

﴿وَٱسْتَعِينُوْا بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلاَةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلاَّ عَلَىٰ ٱلْخَاشِعِينَ * ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلاَقُوْا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ بقره: ۴۶ ـ ۴۵

«و از شکیبایی (واداشتن نفس بر آن چه دوست ندارد، از جمله روزه) و نماز (که دل را پاکیزه و انسان را از گناهان و پلیدی‌ها به دور می‌دارد) یاری جویید و نماز سخت دشوار و گران است. مگر برای فروتنان (دوست داران طاعت و عبادت). آن کسانی که به یقین می‌دانند خدای خویش را (پس از دوباره زنده شدن) ملاقات خواهند کرد. و این که ایشان به سوی او باز خواهند گشت (تا حساب و کتاب پس بدهند و پاداش خود را دریافت دارند).»

علامه ابن کثیر در تفسیر گران سنگ خویش می‌نویسد: با صبر و شکیبایی بر انجام فرایض و گزاردن نماز کمک جویید، نیز می‌افزاید بی شک نماز از بزرگ‌ترین کمک کنندگان بر ثبات و پایداری بر اجرای امر است.

حذیفه ﷺ می‌گوید: هر وقت برای رسول اکرم ﷺ مشکلی پیش می‌آمد، به نماز می‌پرداخت.[۲]

آری، این همان نماز حقیقی است که بنده در زمان فرا رسیدن مصایب، غم و غصه‌ها و گرفتاری‌ها به وسیله‌ی آن به خداوند پناه می‌برد و در آن احساس حمایت و پشتیبانی و هم دردی می‌کند و احساس خواهد کرد که از سوی خداوند، پروردگار آسمان‌ها و زمین، کمک و تقویت می‌شود. لذا از گذرگاه زندگی دنیا با نجات عبور

---

۱. بخشی از حدیثی است که امام بخاری در التاریخ، امام احمد در المسند و دیگران روایت کرده‌اند. در صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۱۷۲۰ ذکر شده است.

۲ مسند امام احمد، ابوداود، صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۴۵۷۹.

خواهد کرد. از خشنودی و رضوان خداوند سبحان بهره‌مند خواهد شد و به بهشتی دست خواهد یافت، که پهنای آن به اندازه‌ی پهنای آسمان‌ها و زمین است. مگر پیامبر اکرم ﷺ نفرموده است که: نزدیک‌ترین جایگاهی که بنده به پروردگارش نزدیک می‌شود، در واقع همان لحظه‌ای است که او پیشانی بر زمین نهاده و در حالت سجده است، لذا در آن به کثرت دعا کنید.[1] در سجده از دعا کمک بگیریم، باید به سوی خداوند لابه و تضرع کنیم و به سوی او زاری‌کنان بشتابیم، تا گره از مشکلاتمان بگشاید و ما را از خیر دنیا و آخرت بهره‌مند سازد.

حمایت آن صحابی را به خاطر داریم، همان کسی که از رسول اکرم ﷺ همسایگی و همراهی در بهشت را سؤال کرد. اگر گفتید رسول اکرم ﷺ او را به چه چیزی سفارش و بر انجام چه کاری راهنمایی کرد و به او چه فرمود؟ توصیه‌ی آن حضرت این بود:

«فَأَعِنِّی عَلٰی نَفْسِکَ بِکَثْرَةِ السُّجُودِ»[2]

(مرا بر همراهی و مجاورت خود با کثرت سجده یاری کن.)

بی شک او را بر کثرت و ازدیاد سجده‌ها راهنمایی می‌فرماید، تا خواسته‌ی بزرگ وهدف والایش تحقق یابد.

---

۱. حدیث در افضل الصلاة و تکفیرها للخطا یا کاملاً ذکر شده است.

۲. مسلم.

فصل پنجم

پیوند نماز با شؤون زندگی

نماز عبادتی نیست که منظور از انجام آن فقط آخرت باشد و بس، بلکه نماز با زندگی مسلمان پیوندی محکم و ناگسستنی دارد که او را از فحشا و منکر باز می‌دارد و در رفتار و سلوکش تأثیر می‌گذارد. نماز آیینه‌ی تمام نمای اعمال مسلمان است، چه نیک باشد و چه بد و این تأثیر شگرفی در صداقت در رفتار و برخورد با دیگران و امانت‌داری و حسن همجواری، اخلاق، ایثار و گذشت و دست نگه داشتن از آزار و اذیت دارد که نتیجه‌ی آن سعادت و خوش‌بختی و انس و الفت در خانواده و جامعه و بلکه در میان تمامی امت می‌باشد.

مسلمان هر گاه تصمیم به انجام کار مهمی بگیرد، به نماز استخاره پناه می‌برد، دو رکعت نماز می‌گزارد. سپس از پروردگارش می‌خواهد که صواب و حقیقت را به او الهام کند و خیر را در دین و زندگی و در فرجام کارش برایش میسر و سهل سازد. شر و بدی را در دین و دنیایش از او دور سازد، چنان که این مسئله را جابر رضی الله عنه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر گاه یکی از شما تصمیم به کاری گرفت باید دو رکعت نماز نفل بگزارد. سپس بگوید:

«اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِرُکَ بِعِلْمِکَ وَ أَسْتَقْدِرُکَ بِقُدْرَتِکَ وَ أَسْأَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْعَظِيمِ فَإِنَّکَ تَقْدِرُ وَ لَا أَقْدِرُ وَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبْ.»

«اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هٰذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَ مَعَاشِي وَ عَاقِبَةِ أَمْرِي وَ عَاجِلِهِ وَ أَجِلِهِ فَاقْدِرْهُ لِي وَ يَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هٰذَا الْأَمْرَ شَرٌّ

لِی فِی دِینِی وَ مَعَاشِی وَ عَاقِبَةُ أَمْرِی وَ عَاجِلَةُ وَ أَجِلِهِ، فَاصْرِفْهُ عَنِّی وَ اَصْرِفْنِی عَنْهُ وَ اَقْدِر لِی الْخَیْرِ حَیْثُ کَانَ ثُمَّ اَقَّنِی بِهِ.»[۱]

«خدایا، به علم تو خیر می‌جویم و به قدرت تو، توان می‌جویم و فضل بزرگ تو را مسئلت دارم، زیرا تو توانایی و من ناتوان و تو داننده‌ی نهانی‌ها هستی.»

«خدایا، اگر می‌دانی که این کار برای دین و زندگی و فرجام کار و زود و دیر آن خوب است، آن را برایم مقدر و آسان گردان و سپس برایم در آن برکت قرار بده، و اگر می‌دانی که این کار برای دین و زندگی و فرجام کار و زود و دیر آن بد است، آن را از من و من را از آن دور گردان و خیر را هر جا که بود، برایم مقدر گردان و مرا به آن خشنود کن.»

هر گاه پدیده‌ی خورشید گرفتگی یا ماه گرفتگی (کسوف وخسوف) رخ بدهد، مسلمان به سوی پروردگارش می‌شتابد، نماز می‌گزارد و دعا می‌کند، تا زمانی که مصیبت پدید آمده از او دور شود؛ چرا که خداوند بدانوسیله بندگانش را می‌ترساند. چنان که رسول اکرم ﷺ فرموده است: «بی شک خورشید و ماه به خاطر مرگ یا به خاطر زنده شدن کسی گرفته نمی‌شوند، بلکه آن دو نشانه‌هایی از نشانه‌های قدرت لایزال الهی هستند که به وسیله‌ی آن خداوند بندگانش را می‌ترساند. لذا هر گاه آن را مشاهده کردید، نماز بگزارید و دعا کنید تا خداوند آن مصیبت فرو آمده بر شما را دور سازد.»[۲]

در روایتی دیگر آمده است: خدا را فرا خوانید، به فریاد خوانید، تکبیر گویید و نماز گزارید و صدقه دهید.[۳] بدین سان است رفتار مسلمان، هر گاه مسلمانی دیگر وفات کند، برادران و دوستان و هر فرد دیگری که جوینده ثواب است برای به دست آوردن آن می‌شتابند، نیز برای آن چه که بر برادرشان لازم است، برای انجام آن از جمله نماز جنازه، خواهند شتافت؛ چرا که بنده در چنین شرایطی سخت محتاج رحمت پروردگارش می‌باشد، چون چهل نفر که هیچ چیز را با خدای یکتا شریک نساخته باشند، در نماز جنازه‌ی او مشارکت کند حتماً خداوند آنان را شفیع او قرار خواهدداد. ابن عباس در این باره روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ فرمود:

---

۱. بخاری و دیگران از جابر. ۲. بخاری و مسلم.
۳. صحیح بخاری (باب الصدقة فی الکسوف).

«مٰا مِنْ مُسْلِمٍ یَمُوتُ، فَیَقُوْمَ عَلٰی جِنٰازَتِهِ اَرْبَعُونَ رَجُلاً، لٰا یَشْرِکُونَ بِاللّٰهِ شَیْئاً اِلّٰا شَفِعُو اَفِیهِ.»[۱]

(هر مسلمانی که بمیرد و بر جنازه‌ی او چهل نفر نماز بگزارند که هیچ چیزی با خدای یکتا شریک نساخته باشند، حتماً خداوند شفاعت آنان را برای او خواهد پذیرفت.)

در روایتی دیگر آمده است که: هر میتی که بر او گروهی از مسلمانان نماز جنازه بگزارند که تعدادشان به صد برسد و برای میت طلب شفاعت کنند، حتماً شفاعتشان درباره‌ی او قبول خواهد شد.[۲] در مراسم نماز عید ساکنان شهر گرد هم می‌آیند و نماز عید را به جای می‌آورند، در این میان فرصتی برای دیدار و شناخت نسبت به همدیگر پیدا شده و الفت ومحبت میان مسلمانان افزایش خواهد یافت. حتی گاهی مجاهدین را از مصلّی برای جهاد اعزام می‌کرد. در این باره ابوسعید خدری ﷺ روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ روز عید فطر و عید قربان به مصلّی می‌رفت و اولین چیزی که انجام می‌داد، نماز بود و چون از نماز فارغ می‌شد، رو به مردم می‌ایستاد، در حالی‌که مردم در صف‌های خویش نشسته بودند، آنان را موعظه می‌کرد و توصیه و سفارش می‌نمود و به انجام کارهایی دستورشان می‌داد. اگر قرار بود لشکری را اعزام کند، این کار را می‌کرد. اگر قرار بود به انجام کاری دستور دهد، دستور می‌داد. سپس بر می‌گشت. ابوسعید می‌گوید: در این صورت مردم بر همان حالتشان بودند.[۳] اما متأسفانه ما در عید جز یک سرگرمی و غفلت، چیزی دیگر نیفزودیم. همچنین زمانی که باران قطع شود و چهار پایان هلاک شده و راه‌ها گسسته شدند، مسلمان حتماً با نماز و دعا به پروردگارش پناه خواهد برد که در نتیجه‌ی کار او باران رحمت نازل خواهد شد و مردم از آب بهره‌مند خواهند گردید.

عباد بن تمیم از عموی خویش که خداوند از او خشنود باد، روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ طلب باران کرد و دو رکعت نماز گزارد و چادر خویش را بر گرداند[۴] تا

---

۱. مسلم، احمد، صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۵۶۴۷.
۲. مسلم، احمد و صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۵۶۶۲.
۳. بخاری، مسلم و ابوداود.
۴. بخاری، باب صلاة الاستسقاء رکعتین.

دگرگونی و تغییر ایجاد شود. هرگاه بنده مرتکب گناه شود و سپس از آن گرفتار عذاب وجدان شود و برود وضو بگیرد و وضوی خویش را کامل و زیبا سازد، سپس به نماز بایستد و دو رکعت نماز بگزارد و بعد از آن برای زدوده شدن گناه خویش از خداوند صادقانه طلب آمرزش کند، حتماً خداوند گناهش را خواهد بخشید.

ابوبکر ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: هر انسانی که مرتکب گناهی شود، سپس وضوی کاملی بگیرد، بعد از آن به نماز بایستد و دو رکعت نماز بگزارد، در حالی که برای آن گناه از خداوند طلب آمرزش کند، حتماً خداوند او را خواهد بخشید.[۱]

مسلمان می‌تواند نماز حاجت بگزارد و در حالی که به قبولی دعای خویش باور دارد، از خداوند طلب کند. عثمان بن حنیف می‌گوید: شخصی نابینا خدمت پیامبر اکرم ﷺ رسید و عرض کرد: از خداوند طلب کن که مرا عافیت بخشد. فرمود: اگر می‌خواهی این دعا را برایت به تأخیر می‌اندازم، که این برایت بهتر خواهد بود و اگر می‌خواهی اکنون برایت دعا خواهم کرد. عرض کرد که اکنون برایم دعا کن. اکنون از خداوند برایم طلب عافیت کن. رسول خدا او را امر کرد که وضو کند و وضوی خویش را کامل و زیبا سازد و دو رکعت نماز بگزارد و دعا کند.[۲]

خلاصه‌ای از نماز چاشت

درباره‌ی خیر و برکتی که در نماز چاشت نهفته است نگو و نپرس، نماز چاشت سبب ازدیاد ایمان است و دارای پاداش بزرگ نزد خداوند سبحان می‌باشد. از جمله:

۱. ابوهریره ﷺ می‌گوید که رسول اکرم ﷺ لشکری را به جایی اعزام کرد که آنان مال غنیمت را بزرگ پنداشتند و سریع برگشتند. کسی خدمت رسول اکرم ﷺ عرض کرد که ما هیچ گروهی را ندیده‌ایم که بدین‌سان سریع باز گردد و مثل این گروه غنیمت را بزرگ پندارند! فرمود: شما را خبر نکنم به کسانی که از اینان بازگشتشان سریع‌تر است و غنیمتشان هم بزرگ‌ترست. بلی، کسی است که کامل و زیبا وضو

۱. به روایت امام احمد، ابوداود، ترمذی، نسایی، ابن ماجه و ابن حبان، صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۵۶۱۴.
۲. صحیح ابن ماجه ۱۱۳۷.

می‌گیرد، سپس به سجده رود و در آن نماز صبح را بگزارد، سپس نماز چاشت را بگزارد. این شخص در واقع سریع بازگشته و غنیمت بزرگی به دست آورده است![1]

۲. نیز روایت ابودرداء ﷺ که می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: هرکس دو رکعت نماز چاشت بگزارد از غافلان محسوب نمی‌شود و هرکس چهار رکعت نماز چاشت بگزارد، ازگروه عابدان نوشته خواهد شد و هرکس شش رکعت بگزارد، آن روز او راکافی خواهد بود، هرکس هشت رکعت بگزارد خداوند او را از قانتین خواهد نوشت. هرکس دوازده رکعت بگزارد، خداوند برای او در بهشت خانه‌ای بنا خواهد کرد. هیچ شب و روزی سپری نمی‌شود، مگر آن که خداوند در آن بخشش و موهبتی دارد که آن را به بندگان خویش به عنوان صدقه عطا می‌کند. خداوند بر هیچ بنده‌ای از بندگان خویش احسانی برتر از این که ذکر خود را به او الهام کند، نکرده است.[2]

۳. روایت دیگری که ابوهریره ﷺ از رسول اکرم ﷺ روایت کرده است بر نماز چاشت مواظبت نمی‌کند، مگر کسی که أوّاب باشد. أوّاب کسی که بسیار با توبه و ندامت به خداوند باز گردد. رسول اکرم ﷺ افزوده است که نماز چاشت نماز اوّابین است.[3] بلی، هر گاه انسان مرتکب گناه شود، سپس برخیزد و وضو کند و نماز گزارد، سپس از خداوند برای گناه خویش طلب آمرزش کند، خداوندگناه او را خواهد بخشید. دلیل آن حدیثی است که ابوبکر ﷺ روایت می‌کند و می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: هر انسانی که مرتکب گناهی شود، سپس برخیزد و طهارت کند و بعد از آن نماز بگزارد. بعد از نماز، از خداوند برای گناهش طلب مغفرت کند، حتماً خداوند گناهش را خواهد بخشید.

سپس این آیه راتلاوت کرد:

«و الذین اذا فعلوا فاحشه أو ظلموا أنفسهم ذکروا اللّٰه فاستغفروا لذنوبهم و من یغفر الذنوب إلا اللّٰه و لم یصرّوا علی ما فعلوا و هم یعلمون»[4]

---

۱. ابویعلی و رجال سندش – رجال صحیح هستند. بزار و ابن حبان در صحیح الترغیب و الترهیب به‌شماره‌ی ۶۶۷.
۲. طبرانی در الکبیر و صحیح الترغیب و الترهیب به‌شماره‌ی ۶۷۴.
۳. طبرانی وابن خزیمه و صحیح الترغیب و الترهیب ۶۷۶.
۴. ترمذی، ابوداود، نسایی، ابن ماجه، صحیح الترغیب و الترهیب ۶۸۰.

(و کسانی که چون دچار گناهی شدند یا بر خویشتن ستم کردند، به یاد خدا می‌افتند و آمرزش گناهانش را خواستار می‌شوند و بجز خدا کیست که گناهان را بیامرزد؟)

با علم و آگاهی بر چیزی که انجام داده‌اند، پافشاری نمی‌کنند و به تکرار گناه دست نمی‌زنند، اما درباره‌ی نماز تسبیح از ثواب و بخشش و مغفرت و افزایش ایمان که در آن نهفته است، نپرس. خداوند با آن همه گناه، اول و آخر، جدید و قدیم، خطا و عمد، کوچک وبزرگ و پنهان و آشکار همه را می‌بخشد. چنان که ابن عباس ﷺ روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ فرمود: ای عباس، ای عموجان، آیا به تو نبخشم؟ آیا به تو هدیه‌ای تقدیم نکنم؟ آیا به تو ده خصلت را عطا نکنم که هر وقت آن‌ها را انجام دادی، خداوند گناه اول و آخر، جدید وقدیم، خطا و عمد، صغیره و کبیره و پنهان و آشکارت را بیامرزد؟ این‌ها ده خصلت هستند که اگر کارهای زیر را انجام دهی، خداوند در مقابل گناهانِ تو را می‌آمرزد. چهار رکعت نماز بگزاری و در هر رکعتی حمد و سوره‌ای بخوانی و هرگاه از قرائت دو رکعت اول فارغ شدی، در حالی که ایستاده‌ای پانزده بار بگو:

«سبحان الله و الحمدالله و لا اله الا الله و الله اکبر»

سپس رکوع می‌کنی و در رکوع ده بار ذکر بالا را بخوان. سپس سرت را از رکوع بلند می‌کنی و در همان حالت ایستاده بعد از رکوع و قبل از سجده، آن را ده بار می‌گویی. سپس به سجده می‌روی و در حالت سجده ده بار آن را می‌گویی. بعد از آن سرت را از سجده بلند می‌کنی و آن را ده بار می‌گویی. سپس سجده می‌کنی و آن را ده بار می‌گویی، سپس سرت را بلند می‌کنی و آن را ده بار می‌گویی. این‌ها هفتاد و پنج بار در هر رکعت می‌شود. این را در هر چهار رکعت انجام می‌دهی. بنابراین، اگر گناهانت مانند کف دریا یا بسان ریگ روان باشد، حتماً خداوند آن‌ها را خواهد بخشید. اگر توانستی آن را در هر روز یک بار انجام بده و اگر هر روز مقدور نبود، در هفته یک بار و اگر هفته‌ای یک بار نتوانستی در ماه یک بار، و اگر در ماه نتوانستی در هر سال یک بار و اگر در هر سال یک بار مقدور نشد، در عمرت یک بار نماز تسبیح را بگزار.[1]

۱. ابوداود، نسایی، ابن ماجه، ابن خزمیه و حاکم در صحیح الجامع ۷۸۱۴.

نماز ناتوانان و ارتباط آن با پیروزی

سعد ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: یقیناً این است با وجود ضعیفان و به وسیله‌ی دعا و نماز واخلاص آنان پیروز خداهد شد.[1] لذا اندیشه‌هایی که می‌پندارند و می‌گویند که به اغنیا و نیرومندان و صاحبان مقام و موقعیت توجه کنید و فقرا و ضعیفان را رها کنید،ناامید و کم‌سو خواهند شد.

اکنون که ما ضعیفان و مساکین و فقیران و پارسایان را رها کرده‌ایم، چگونه تلخی شکست و ذلت و خواری و تباهی را چشیده‌ایم؟ چرا چنین نباشد درحالی که پیروزی دین به دعا و نماز و اخلاص آنان پیوند خورده است.

از این روی باید به مصاحبت ضعیفان و پارسایان حریص باشیم و یاری و نصرت الهی را از ناحیه‌ی آنان جست و جو کنیم واز آنان طلب دعا کنیم، تا مصیبت‌ها و گرفتاری‌های ما و امت محمدی ﷺ دور شوند.

نماز سبب آسایش و آرامش

نماز مایه‌ی آسایش، آرامش و خوش‌بختی است. با نماز انسان احساس قرب و نزدیکی با خدا می‌کند. خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ * ٱلَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ ٱللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ ٱللَّهِ تَطْمَئِنُّ ٱلْقُلُوبُ﴾ رعد: ۲۸ - ۲۷

«ای پیامبر! به ایشان بگو: خداوند هر که را بخواهد، گمراه می‌کند و هر که راکه به سوی او برگردد، به جانب خود رهبری می‌کند. آن کسانی که ایمان آوردند، دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان! دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرد.»

نماز، سراسر ذکر و نیایش است

رسول اکرم ﷺ به بلال می‌فرمود:

---

۱. نسایی، صحیح الترغیب و الترهیب به‌شماره‌ی ۵.

«يا بَلالُ أَقِمِ الصَّلاةَ أَرِحْنا بِها.»[۱]

(ای بلال! نماز را برپا کن، ما را به وسیله‌ی نماز راحت کن.)

رسول اکرم ﷺ می‌فرمود:

«جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلاةِ.»[۲]

(خنکی و راحتی چشمانم در نماز است، نماز مایه‌ی خرسندی و خنکی چشمانم قرار داده شده است.)

ای کسی که در پی سعادت و آسایش خویشتن و خنکی چشمان هستی، به نماز روی آور. و آن را خاشعانه و فروتنانه برای خداوند همان گونه که رسول اکرم ﷺ پیش از ما نماز گزارد نماز بگزار که حتماً به مرادت خواهی رسد. اگرچنین نکردی، جز خویشتن کسی دیگر را ملامت مکن .

رسول اکرم ﷺ و بیماری و وفاتش

عبید الله بن عبدالله می‌گوید: خدمت عایشه رسیدم و خدمت ایشان عرض کردم: درباره‌ی بیماری رسول اکرم ﷺ برایم چیزی بیان نمی‌فرمایید؟ فرمود: بیماری رسول اکرم ﷺ شدید شده، فرمود: آیا مردم نماز گزاردند؟ عرض کردیم: خیر، مردم منتظر شما هستند. فرمود: برایم داخل طشت آب بگذارید، ما این کار را انجام دادیم. آن حضرت غسل کرد، سپس خواست که بلند شود و بایستد، اما بی هوش شد، سپس به هوش آمد. باز فرمود: آیا مردم نماز گزاردند؟ عرض کردیم: خیر، بلکه ایشان منتظر شما هستند ای رسول خدا، سپس آب طلبید و فرمود در طشت برایم آب بگذارید. ما هم آب در طشت گذاشتیم. ایشان غسل کردند، سپس خواست که بلند شود اما بی هوش شد. سپس به هوش آمده فرمود: آیا مردم نماز گزاردند. عرض کردیم که خیر، بلکه آنان منتظر شمایند.

عایشه می‌گوید: مردم در مسجد جمع شده و منتظر رسول اکرم ﷺ برای برگزاری

---

۱. احمد در مسند خویش، ابوداود، در صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۷۷۶۹.
۲. به روایت احمد در مسند، نسایی، صحیح الجامع ۳۰۹۳.

نماز عشاء بودند. عایشه می‌گوید: رسول اکرم ﷺ کسی را نزد ابوبکر ؓ فرستاد که پیغام رسول خدا را به او برسانید که برای مردم نماز بگزارد. قاصد نزد ابوبکر آمد و گفت: رسول اکرم ﷺ شما را امر می‌کند که برای مردم نماز بگزارید.

ابوبکر به عمر گفت، که برای مردم نماز بگزار، چون او انسانی نرم دل و رقیق القلب بود عمر عرض کرد که تو به امامت نماز از من مستحق‌تر هستی. عایشه می‌گوید: در این ایام (بیماری) رسول خدا برای مردم نماز بگزارد. بعد رسول اکرم ﷺ در جسم خویش سبک بالی احساس کرد ودر میان دو نفر که یکی از آنان عباس بود برای نماز ظهر از خانه بیرون آمد، در حالی که ابوبکر امام مردم بود. چون ابوبکر آن حضرت را دید، خودش را عقب کشید. رسول اکرم ﷺ به او اشاره کرد که عقب نیا و به آن دو نفر فرمود: مرا به کنار ابوبکر بنشانید. آنان رسول خدا را به کنار ابوبکر نشاندند و ابوبکر ایستاده نماز می‌گزارد و به رسول اکرم اقتدا کرده بود و مردم به نماز ابوبکر اقتدا کرده بودند. رسول اکرم ﷺ نشسته بود.[۱]

علی ؓ می‌گوید: آخرین سخن رسول اکرم ﷺ این بود: مواظب نماز باشید، مواظب نماز باشید. از خدا درباره‌ی کنیزان و بردگان زیردستان پروا کنید.[۲]

درس‌ها و عبرت‌ها

اکنون بنگریم که چگونه رسول اکرم ﷺ در بیماری وفات خویش پیگیر نماز مسلمانان بود. هر گاه که به هوش می‌آمد، می‌پرسید که:

«اَصَلِّیَ النّاسُ؟» *(آیا مردم نماز گزاردند؟)*

که این را چهار مرتبه پرسید و چهار بار این واقعه برایش رخ داد. به محض این که در خویشتن، توانی یافت و احساس کرد که سبک بال شده است بر حضور به نماز جماعت و دیدار یاران خویش حریص می‌شد. چنان که با همین وضعیت بیماری در میان دو نفر از یاران خویش به مسجد تشریف برد. آن عشق و علاقه‌ی رسول

---

۱. به روایت امام مسلم باب استخلاف الامام اذا عرض له عذر.
۲. ابوداود، ابن ماجه، صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۴۴۹۲.

اکرم ﷺ در بیماری وفاتش، نشان دهنده‌ی عظمت نماز و بیانگر اهمیت نماز جماعت و جایگاه والای مسجد در اسلام می‌باشد.

بلی، رسول اکرم ﷺ در بیماری وفات خویش پی گیر مسأله‌ی نماز است. پس شما کجایید ای افرادی که از صحبت و عافیت بهره‌مند هستید؟ شما ای جوانان، موضع‌تان در قبال نماز چیست؟ شما ای کسانی که از نیرو و نشاط بهره‌مندید؟ چگونه تخلف از مسجد و جماعت را برای خویشتن می‌پسندید؟ اگر بیمار شدید، با نماز چه کار می‌کنید؟

ای مسلمانان، نماز! نماز! این آخرین جمله‌هایی است که رسول اکرم ﷺ فرمود و نماز اولین حکمی است از احکام اسلامی که در قیامت از آن بازخواست می‌شود. درباره‌ی خویشتن از خدا پروا کنید و خویشتن را قبل از آن که محاسبه شوید، حساب‌رسی کنید.

خداوند مال را به خاطر برپایی نماز و پرداختن زکات فرود آورد.

شاید عنوان فوق مقداری غریب به نظر آید، اما وقتی که بدانیم این عنوان از این سخن رسول اکرم ﷺ انتخاب شده است، غرابت آن دور خواهد شد. می‌فرماید:

«اِنَّ اللّٰهَ قٰالَ: اِنّٰا أَنْزَلْنَا الْمٰالَ لاِقٰامَ الصَّلاةَ وَ اِيتٰاءَ الزَّكٰاةَ وَ لَوْ كٰانَ لابِنَ آدَمَ وٰادَ لِأَحَبِّ اَنْ يَكُونَ لَهُ ثٰانَ. وَ لَو كٰانَ لَهُ وٰادِيٰانَ لِأَحَبَّ اَنْ يَكُونَ لَهُمٰا ثٰالِث، وَ لا يَمْلَأُ جُوفَ بِنْ آدَمَ اِلّٰا التُّرٰابَ، ثُمَّ يَتُوبَ اللّٰهِ عَلٰى مَنْ تٰاب.»[1]

(خداوند می‌فرماید: ما مال را برای برپایی نماز و پرداخت زکات فرو فرستادیم. اگر آدمی زاد یک وادی پر از مال داشته باشد، مشتاق خواهد شد، که دو وادی داشته باشد و اگر دو وادی داشته باشد. دوست خواهد داشت که سه وادی داشته باشد. شکم آدمی زاد را جز خاک چیزی دیگر پر نخواهد کرد. سپس خداوند می‌پذیرد توبه‌ی کسی را که به سوی او بازگردد.)

آن چه که از مفهوم حدیث به ذهن ما می‌رسد، این است که بدانیم هدف از آفرینش جن و انسان تنها عبادت خدای سبحان است و بس. چنان که خداوند می‌فرماید:

---

۱. مسند امام احمد، الطبرانی در الکبیر از ابو واقد.

﴿وَمَا خَلَقْتُ ٱلْجِنَّ وَٱلْأَنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ ذاریات: ۵۶

«من پری‌ها و انسان‌ها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام.»

سایر اشیا در واقع وسیله‌ای هستند که جن و انسان آن را برای انجام امر طاعت و عبودیت بکار می‌برند. مانند غذا، آب، سواری، ازدواج، سرمایه.

لذا مال فقط برای تحقق عبودیت خداوند فرود آمده است و بس. بنده با غذا و آب جسم خویش را تقویت می‌کند، تا جهت برپایی نماز قدرت و توان پیدا کند، چه بسا سرمایه‌ای را در امر ازدواج استفاده کند، چراکه ازدواج نصف دین نامیده شده است، یا بهتر است بگویی: نصف ایمان چنان‌که رسول اکرم فرموده است:

«اذا تزوج العبد فقد استکمل نصف الدین، فلتیق الله في النصف الباقی»[1]

(هرگاه انسان ازدواج کند، که نصف دین خویش را تکمیل کرده است. پس باید نصف دیگر را از خدا پرواکند.)

در حقیقت ازدواج فروگذارنده‌ی چشم و حفظ کننده‌ی شرم‌گاه است. هرگاه فرد متأهل در برابر پیش‌گاه خداوند به نماز بایستد، خشوع و فروتنی‌اش افزوده شده و با قلب خویش به خداوند روی خواهد آورد؛ چراکه فرونگذاردن و حفظ نکردن شرم‌گاه نابودکننده‌ی خشوع خواهد بود. چه بسا مسلمان این سرمایه را در درمان خویش استفاده کند و بدین وسیله جسم خویش را تقویت کرده و آن وقت نمازگزاردن او از نماز بیمار بهتر خواهد بود. لذا فرود آوردن مال یا جهت اقامه‌ی نماز است، یا در خدمت نماز، یا جهت پرداخت زکات و یا در خدمت گره‌گشایی از مشکل مستمندان و آسیب دیدگان است. اما آدمی زاد این امر را به فراموشی سپرده است یا خود را به فراموشی زده است. چنان‌که اگر یک وادی از مال داشته باشد، دوست دارد که دو وادی از مال داشته باشد، چون به آرزوی خویش برسد و هدفش متحقق شود و به وادی دوم دسترسی پیدا کند، دوست خواهد داشت که سومی را نیز داشته باشد. اما آدمی زاد فراموش کرده است که هدف از فرودآوردن مال در واقع برپایی نماز و پرداخت زکات است. لذا در طرح‌های تجاری خویش توسعه داده و در دریای مادیات غوطه‌ور شده است. تمام این‌ها به خاطر دسترسی به وادی نخست است. پس چگونه او می‌تواند به

---

۱. بیهقی در «شعب الایمان» در صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۴۴۳.

وادی دوم و سوم دست یابد؟ اینان چه قدر از خشوع نماز را به خاطر تلاش فزاینده و به خاطر انباشتن دنیا می‌سازد و چه قدر خیر بزرگی را از دست می‌دهند. قضیه تنها به تضییع خشوع ختم نمی‌شود، بلکه به تضییع نمازها نیز سرایت می‌کند. کسانی را می‌بینی که به خاطر جمع آوری مال و ثروت و مشغول شدن به مال، نماز هایش فوت می‌شود، اما فراموش نکرده است که مال فقط برای برپایی نماز و پرداخت زکات فرود آمده است. رسول اکرم ﷺ فرموده است:

(اگر به اندازی کوه احد طلا می‌داشتم، البته خوش حال می‌شدم که سه شبانه روز بر من نگذرد و از آن نزدم چیزی مانده باشد، مگر مقداری که آن را برای ادای دینی نزد خود نگه دارم.)[1]

از بلایا و مصیبت‌های ناگوار این است که فتاوایی را بشنوی که مایه‌ی خرسندی برخی از کسانی هست که به جمع آوری مال سرگرم هستند. این که جایز است او پنج وقت نماز را با هم یک جا بگذارد. لذا نمازها را تأخیر کرده و بعد از عشاء می‌گذارند و بدین وسیله اوقات و فرایض را تعطیل می‌کند. حکم کسی که نماز را ترک می‌کند (حکم تارک نماز)

اگر در گزاردن نماز افزایش ایمان است، بدون شک ترک آن مایه‌ی نقصان ایمان است. اگر انسان نماز را برای هیمشه ترک نماید، در واقع در دایره‌ی کفر وشرک قرار گرفته است.[2]

جابر می‌گوید رسول اکرم ﷺ فرمود:

«**بین الکفر و الایمان ترک الصلاة.**»[3] *(فاصله میان کفر و ایمان ترک نماز است.)*

نیز جابر می‌گوید رسول اکرم ﷺ فرمود:

«**بین الرجل و بین الشرک و الکفر ترک الصلاة.**» *(فاصله میان انسان و کفر و شرک ترک نماز است.)*

---

۱. بخاری از ابوهریره.

۲. این مسأله نیاز به توضیح دارد. اگر به طور کلی منکر فرضیت نماز باشد، از اسلام خارج می‌شود وگرنه گفته می‌شود که کفردون کفر یا کفر عملی است؛ چون با این عمل خویش با عمل کافرن مشابهت دارد.

۳. ترمذی و صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۲۸۴۶.

در صحیح بخاری از ابن مالک ﷺ روایت است که هر گاه با ما به جنگ قومی می‌رفت، بر آنان حمله نمی‌کرد، تا صبح می‌کرد و می‌نگریست. اگر از سوی آنان اذانی می‌شنید، از جنگ با آنان دست نگه‌می‌داشت (از جنگ دست می‌کشید) و اگر اذانی نمی‌شنید، بر آنان حمله می‌کرد.

فوت نماز مایه‌ی کاستی و زیان در خانواده و مال

نوفل بن معاویه ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: کسی که از او یک نماز فوت شود، گویی که خانواده و مالش زیان دیده است.[1]

برادر مسلمان، وقتی که سرمایه ات را از دست می‌دهی، چه احساسی داری؟ هنگامی که فرزند عزیز و جگر گوشه‌ی خویش را از دست می‌دهی، احساست چگونه است؟ وقتی که همسرت را از دست می‌دهی، چه احساسی داری؟ وقتی که خانواده‌ات را از دست می‌دهی، چه دردی احساس می‌کنی؟ اما هنگامی که خانواده و سرمایه‌ات را یکجا از دست بدهی، غم و ناراحتی تو چگونه خواهد بود؟

در واقع آن دردی جان کاه و اندوهی همیشگی خواهد بود، وقتی که انسان خانواده و سرمایه‌اش را از دست بدهد. خانواده‌ای را که با آنان زندگی کرده و با آنان خوش‌بخت بوده است، اکنون آنان را از دست داده است.

عرصه بر چنین کسی با فراخی‌اش تنگ خواهد شد؛ چرا که او با چشمان خویش مصیبت‌ها و هم و غم‌ها را مشاهده می‌کند. پس چگونه خواهد بود، حالت کسی که با وجود آن کلیه‌ی سرمایه‌اش را از دست دهد؟ مال شادابی و شیرینی است. خداوند آن را برای ما قوام زندگی قرار داده است. حالت و قضیه چگونه خواهد بود، زمانی که تو این را احساس کنی؟ لذا باور کن آن کسی که از او نمازی فوت شود، بدون شک بسیار زیان دیده است.

---

۱. به روایت ابن حبان در صحیح خود و در صحیح الترغیب و الترهیب به‌شماره‌ی ۵۷۶.

فصل ششم

خشوع نماز

تمرین خشوع در نماز! پشت سر امامی اقتدا می‌کنی که کم‌تر خشوع ارکان را انجام می‌دهد، پس راه تحقق خشوع بیش‌تر چیست؟ در چنین حالتی غنیمت شمردن اوقات و نمازهایی جز نماز فرض ضروری است. لذا سنت‌ها و نوافل را برخود لازم گیرید که این‌ها فرصت‌های بزرگی جهت تمرین به دست آوردن خشوع هستند. دراین نمازها بر طولانی کردن قرائت و طولانی کردن قیام می‌توانی تمرین کنی.[1] رسول اکرم ﷺ فرموده است:

«**افضل الصلاة طول القنوت.**» *(بهترین نماز آن است که قیام در آن طولانی باشد.)*

همچنین بر طولانی کردن رکوع و سجده حریص باش و در سجده به کثرت دعا کن و این را به خاطر بسپار که رسول اکرم ﷺ از عدم خشوع در نماز به خداوند پناه برده است

«**اللهم انی اعوذ بک من قلب لا یخشع.**»[2]

(بار الها، از قلبی که خشوع نداشته باشد، به تو پناه می‌بردم.)

موانع خشوع[3]

۱. باور ضعف به دیدار خدا و بازگشت به او، خداوند می‌فرماید:

---

۱. جز در مواردی که در آن طولانی نکردن قرائت آمده است مانند قراءت در سنت‌های فجر؛ ر، ک، به: منقه الصلاة النبی ﷺ در القرائة فی سنته الفرج.

۲. ترمذی، نسایی و صحیح الجامع به‌شماره‌ی ۱۳۰۸.

۳. برخی مطالب این باب به خاطر ذکرشان در صفحات گذشته بدون تفصیل و استدلال ذکر شده‌اند.

﴿وَٱسْتَعِينُوا بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلاَّ عَلَىٰ ٱلْخَاشِعِينَ ۞ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ بقره: ۴۶ ـ ۴۵

«و از شکیبایی و نماز یاری بجویید و نماز سخت دشوار و گران است، مگر برای فروتنان. آن کسانی که به یقین می‌دانند خدای خویش را ملاقات خواهند کرد و این که ایشان به سوی او باز خواهند گشت.»

خداوند متعال در آیات فوق صفات و ویژگی‌های خاشعان را بیان فرمود: اینان کسانی هستند که یقین دارند که پروردگارشان را حتماً ملاقات خواهند کرد و اینان به سوی او باز خواهند گشت. بلی، خشوع علم و باور به دیدار خداوند و بازگشت به سوی او می‌باشد. اما کمبود و کوتاهی در آن، در واقع نقص و کوتاهی در خشوع است. لذا این باور تو را بر آن می‌دارد که حساب لازم را بکنی و نماز را زیبا و درست انجام دهی.

۲. وسوسه‌ی شیطان

ابوهریره رضي الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلى الله عليه وسلم فرمود: هروقت برای نماز اذان داده شود، شیطان پابه فرار می‌گذارد و از او صدایی بیرون می‌آید و چنان دور می‌شود که صدای اذان را نشنود. چون اذان تمام شود، سپس بر می‌گردد تا برای نماز اقامت شود، و دوباره فرار می‌کند، تا اقامت تمام شود، باز برمی‌گردد و آن وقت در دل انسان وسوسه ایجاد می‌کند. می‌گوید: فلان چیز را به یادآور، فلان قضیه را به یادآور چیزهایی را بخاطر او می‌آورد که نمازگزار قبل از ورود به نماز آن چیزها را به خاطر نداشته است. چنان او را مشغول می‌کند که نمی‌داند چند رکعت نماز گزارده است و در روایتی نزد امام آمده است که چنان گرفتار وسوسه‌ی شیطان می‌شود، که نمی‌داند چند رکعت نماز گزارده است.[۱]

۳. گرفتار غفلت و هوای نفسانی شدن

۴. توجه فزاینده به مظاهر دنیا

۵. رها کردن مسجد و نماز جماعت. رسول اکرم صلى الله عليه وسلم فرموده است:

«**فانّما یأکل الذئب القاصیه.**»[۲] *«گرگ، گوسفندی را شکار می‌کند که از گله فاصله گرفته باشد.»*

۶. ضعف محبت برادری دینی: رسول اکرم صلى الله عليه وسلم فرموده است:

---

۱. بخاری و مسلم.
۲. همان.

«والذی نفسی بیده، لا تدخلون الجنة حتی تومنوا، و لا ئومنوا حتی تحابوا، اولاد لکم علی شئی اذا فعلتموه تحاببتم؟ افشوا السلام بینکم.» [۱]

(قسم به ذاتی که جانم در دست اوست! تا زمانی که مؤمن نشده‌اید، وارد بهشت نمی‌شوید و تا زمانی که با هم دیگر محبت نورزید، مؤمن نمی‌شوید.)

لذا شما را راهنمایی می‌کنم بر انجام کاری که هر وقت آن را انجام دادی، با همدیگر دوست خواهید شد؛ سلام را در میان خودتان پخش کنید.

بنابراین، ورود بهشت منوط به دوست داشتن همدیگر به خاطر خداوند است. خشوع و فروتنی راه رسیدن به بهشت است. خشوع و بهشت هر دو هرگز میسر نخواهند شد، مگر با تقویت پیوندهای دوستی و محبت ورزی به خاطر خدای سبحان.

۷. پیوستگی و راست نبودن صف‌های نماز

۸. ستم‌ورزی نسبت به بندگان خدا و نپرداختن حقوقشان

۹. التفات و این سو و آن سو نگریستن و چشمان را به سوی آسمان بلند کردن

۱۰. قتاده می‌گوید: انس بن مالک برایشان حدیث بیان کرد که رسول اکرم ﷺ فرموده است: چرا کسانی در نماز چشمانش را به سوی آسمان بلند می‌کنند؟ در این باره سخن درشت بیان کرد، چنان که فرمود: باید از این کار دست بردارند یا چشمانشان ربوده خواهد شد.[۲]

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرموده است: باید کسانی از بلند کردن چشمانشان به سوی آسمان در نماز هنگام دعا بازآیند، اگر چنین نکنند چشمانشان ربوده خواهد شد.[۳]

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: رسول اکرم ﷺ در نماز چشمانش را به سوی آسمان بلند نمی‌کرد، ور نه ربوده می‌شد.

در حدیث آمده است:... خداوند شما را به نمازگزاردن امر کرده است. لذا هر وقت

---

۱ مسلم.
۲. بخاری، در باب رفع البصر الی السماء فی الصلاة.
۳. مسلم، باب النهی عن رفع البصر الی السماء فی الصلاة.

نماز گزاردید، التفات نکنید ـ این سو و آن سو نگاه نکنید – چرا که خداوند چهره‌ی خویش را در نماز با چهره‌ی بنده تا زمانی که التفات نکرده است، رو به رو می‌کند.[۱]

۱۱. نماز گزاردن بر چیزی مزین و آراسته یا بر چیزی که بر آن عکس و تصویر باشد. عایشه ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ بر چادری حاشیه دار و نقش‌دار نماز گزارد. نگاهی به نقشه‌ها و نشانه‌های آن انداخت. وقتی نماز را به اتمام رساند، فرمود: این چادرِ مرا به نزد ابوجهم ببرید و چادر انبجانیه او را برایم بیاورید. چون این چادر آلات ذهن مرا در نماز مشغول کرد حواسم را پرت نمود.[۲]

عایشه ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: در نماز به نقش و رنگ‌های آن نگاه می‌کردیم، بیم دارم که آن مرا دچار فتنه کند.[۳]

انس ﷺ می‌گوید: عایشه پرده‌ی نازکی که از پشم تهیه شده بود و در آن رنگ‌های مختلفی به کار رفته بود، داشت و قسمتی از خانه‌اش را با آن پوشانده بود. رسول اکرم ﷺ فرمود: این پرده‌ات را از جلوی چشمانمان دور ساز که همواره تصاویر و نقشه‌های آن در نماز جلوی دیدگانم نمایان می‌شوند.[۴]

فوایدی قابل توجه

۱. برادر مسلمان خداوند تو را حفظ کند! بر گزاردن نماز نوافل و سنت‌های قبلیه و بعدیه ـ مؤکد و غیرمؤکد – حریص باش؛ چرا که این‌ها کاستی‌ها و نقص‌های فرضی را جبران خواهند کرد. رسول اکرم ﷺ فرموده است: اولین چیزی که انسان به خاطر آن روز قیامت محاسبه می‌شود، نماز است. اگر انسان آن را کامل کرده، برایش کامل نوشته خواهد شد و اگر کامل نکرده باشد، خداوند به فرشتگان می‌فرماید: بنگریم آیا برای بنده‌ام نفلی می‌یابید که به وسیله‌ی آن فرض او را کامل می‌کنند؟ سپس به زکات او نگریسته می‌شود، سپس اعمال بر حسب ترتیب برداشته می‌شود.[۵]

---

۱. بخشی از حدیثی که ترمذی آن را روایت کرده است. حسن صحیح است و صحیح الترغیب الترهیب ۵۵۳.
۲. صحیح بخاری، (باب اذا صلی فی ثوب به اعلام)؛ مسلم، در باب کراهة الصلاة فی ثوب له اعلام.
۳. صحیح البخاری، «باب اذاصلی فی ثوب به اعلام».
۴. بخاری.
۵. مسند امام احمد، ابوداود، ابن ماجه، حاکم، درجه‌ی حدیث حسن است. صحیح الجامع

عائظ بن فرط ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: هر کس نمازی گزارد وآن را تکمیل نکرد، از نمازهای نفلی او به آن افزوده می‌شود تا تکمیل گردد.[۱]

۲. بر دریافت تکبیرة الاحرام - تکبیر اولی - حریص باش. به ویژه در چهل روز پیوسته، چراکه در یافتن و رسیدن به تکبیر اولی بنده را به اذن خداوند از نفاق و آتش جهنم رهایی می‌بخشد و انس ﷺ از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمود:

«من صلی الله اربعین یوماً فی جماعة، یدرک التکبیرة الاولی، کتبت له براءة. براءة من النار و براة من النفاق.» [۲]

(هرکس به خاطر خداوند چهل روز پیوسته با جماعت نماز بگزارد که تکبیر اولی را دریابد، برای او دو خلاصی نوشته خواهد شد. یک خلاصی از آتش جهنم و رهایی از نفاق.)

۳. بخشی از نمازت را برای خانه‌ات قرار بده که با این کار خیر و برکت فراوانی نصیبت خواهد شد. جابر ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرموده است: هر گاه یکی از شما نمازش را در مسجد خویش تمام کرد، باید بخشی از نمازش را برای خانه‌اش قرار بدهد؛ چراکه خداوند به خاطر نماز او، در خانه‌اش خیر و برکت فراوان قرار خواهد داد.[۳]

درحدیث دیگری آمده است: ای مردم، در خانه‌هایتان نماز بگزارید چراکه بهترین نماز، نماز انسان در خانه‌اش، جز نمازهای فرض، می‌باشد.[۴] نیز در حدیث آمده است: نماز یکی از شما در خانه‌اش از نماز او در این مسجد من بهتر خواهد بود، جز نماز فرض[۵] این است شأن نماز نافله در خانه، که از نماز درمسجد النبی بهتر است.

با وجود آن که در مسجد النبی ثواب نماز چندین برابر است، چنان که یک نماز در آن با هزار نماز در مکان دیگر تفاوت دارد.

همچنین برتری نماز نفل در خانه بسان برتری نماز فرض بر نافله است.

صهیب بن نعمان ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: فضیلت نماز شخص در خانه‌اش بر نماز او - جایی که مردم او را می‌بینند - بسان فضیلت نماز فرض بر نافله است. [۶]

---

۱. طبرانی در الکبیر، صحیح الجامع ۶۲۲۴. به‌شماره‌ی ۲۵۷۱.
۲. ترمذی و صحیح الجامع ۶۲۴۱.
۳. مسلم.
۴. بخاری.
۵. ابوداوود و صحیح الجامع ۳۷۰۸.
۶. طبرانی در «الکبیر» و بیهی در «السنن» و صحیح الجامع شماره ۴۰۳۹.

۴. از کامل کردن رکوع و سجده‌ی خویش غفلت مکن، تا دزدترین مردم نباشی. چنان‌که رسول اکرم ﷺ فرموده است: دزدترین مردم کسی است که نمازش را می‌دزدد: یعنی رکوع و سجده‌ی آن را کامل نمی‌کند و بخیل‌ترین انسان کسی است که از سلام کردن به دیگران دریغ ورزد.[۱] لذا واژه‌ای رساتر از واژه‌ی «أسرق» دزدتر، نمی‌یابم که به زشتی کار کسی که رکوع و سجده‌ی خویش را کامل می‌کند، دلالت کند؛ چرا که سرقت شرعاً و فطرةً و قانوناً مذموم و زشت است. از وقتی که گناهش را مرتکب می‌شود از کسی دیگر می‌گیرد و انسان وقتی که از رکوع و سجده‌ی خویش می‌کاهد، در واقع چیزی را که از خودش نیست می‌گیرد، و آن از خودش نیست؛ چرا که نماز از آن خداوند است نه از انسان، وقتی که این چیز جلوی صاحب و مالک خودش هست، گرفتن آن از او به هر شکلی که برایش خوشایند باشد، سهل و آسان خواهد شد. آن هم بدون هیچ‌گونه خوف و هراسی از مردم و آگاه شدن آنان از سرقت آن. از این روی سزاوار است که او دزدترین مردم باشد. این را به ذهن بسپار کسی که رکوع وسجده‌ی خویش راکامل نکند، تهدید شده است به اینکه از دنیای دین خواهد رفت، پناه به خدا. واصل از ابو وائل از حذیفه ﷺ روایت می‌کند که او کسی را دید که رکوع و سجده‌ی خویش را کامل نمی‌کرد. وقتی نمازش را تمام کرد، حذیفه به او گفت: تو نماز نگزاردی؟ می‌گوید: گمان می‌کنم به او چنین گفت: اگر بر همین حالت بمیری، مردن تو بر سنت رسول اکرم ﷺ نخواهد بود.[۲]

۵. درمسجد بر صف اول حریص باش، چون آن بهترین صف‌ها است. همان طور که درحدیث آمده است: بهترین صف‌های مردان اول آن است و بدترین آن آخرش، و بهترین صف‌های زنان آخر آن است و بدترین آن اوّلش می‌باشد.[۳]

---

۱. طبرانی در «الاوسط» صحیح الجامع شماره ۹۷۷.

۲. صحیح بخاری (اذام یتم السجود)، سپس برخی از برادران بزرگ وار در این باره مرا به حدیث مرفوعی راهنمایی کرد که در آن چنین آمده بود: رسول خدا کسی را دید که رکوعش را کامل می‌کند و در حالی که نماز می‌گزارد بسان خروس نوک می‌زند، فرمود: این برهمین حال بمیرد، بر دین محمد ﷺ نمرده است. مسند ابویعلی، ابن عساکر یا مسند حسن.

۳. مسلم، ابوداود، ترمذی و .

انسان پیوسته از صف اول تأخیر می‌کند تا خداوند او را در آتش جهتم به تأخیر می‌اندازد، گر چه از بهشتیان باشد، چنان که رسول اکرم ﷺ فرموده است: پیوسته گروهی در یافتن صف اول تأخیر می کنند. چنان تأخیر می‌کنند که خداوند ماندن شان را در جهنم به تأخیر می‌اندازد.[۱]

ابوسعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم ﷺ در یاران خود باری نماز تأخیری را مشاهده کرد، از این رو به آنان فرمود: جلو بیایید و به من اقتدا کنید وکسانی که بعد از شما می‌آیند، باید به شما اقتدا کنند، چرا که پیوسته گروهی تأخیر می‌کنند، دیر می‌آیند تا خداوند هم آنان را آخرین قرار می‌دهد.[۲]

در حدیثی دیگر آمده است که به نماز جمعه حضور به هم رسانید و به امام نزدیک شوید چرا که انسان پیوسته خود را دور نگه می‌دارد تا برای ورود به بهشت به تأخیر می‌افتد گرچه نهایت؛ داخل بهشت شود.[۳]

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: اگر مردم می‌دانستند که در اذان و صف اول چه قدر ثواب هست، پس راهی برای به دست آوردن جز قرعه کشی نمی‌یافتند. البته بر آن قرعه کشی می‌کردند. نیز اگر می‌دانستند در زود رفتن به نماز چه قدر ثواب هست، حتماً برای رسیدن به آن مسابقه می‌دادند، اگر می‌دانستند در نماز عشاء و نماز صبح چه قدر ثواب و فایده هست، به سینه خیز هم می‌شد به سوی آن می‌رفتند.[۴]

همچنین ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: اگر می‌دانستید یا آنان می‌دانستند، در صف اول چه قدر ثواب هست حتماً برای رسیدن به آن قرعه کشی می‌کردند.[۵]

۶. برگزاردن نماز پشت سر امامی که حق قرائت از نظر کمی و کیفی را به جای می‌آورد حریص باشد. امامی که احکام ترتیل را نیک می‌داند و دارای صدای دل نشین

---

۱. ابوداود، ابن خزیمه و ابن حبان آن را صحیح دانسته‌اند و در صحیح الجامع به شماره‌ی ۷۵۷۶ ذکر شده است.
۲. مسلم.
۳. مسند امام احمد، ابوداود، صحیح الجامع ۱۹۸.
۴. بخاری، مسلم.
۵. مسلم، ابن ماجه.

وآهنگین می‌باشد. اگر این امام در مسجد نزدیک نبود، در مسجدی دیگر او را جست و جو کن، گر چه در برخی از نمازها باشد؛ زیرا صدای زیبا و دل نشین، حسن و زیبایی قرآن را افزایش می‌دهد.همانطور که در حدیث آمده است:

براء بن عازب ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود:

«زیّنوا القرآن بأصواتک، فانّ الصوت الحسن یزید القرآن حسناً.»[۱]

(قرآن را با صدایتان زیبا و دل نشین کنید؛ چون صدای زیبا به حسن و زیبایی قرآن می‌افزاید.)

جابر ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود:

«ان من احسن الناس صوتاً بالقرآن الذی اذا سمعته یقرأ، رایت انه یخضی اللّه.»[۲]

(بی شک زیباترین مردم از نظر صدا به هنگام تلاوت قرآن کسی است که صدای خواندنش را شنیدی، احساس کنی که او از خداوند می‌هراسد.)

---

۱. ابوداود، در صحیح الجامع به شماره‌ی ۳۵۷۵ ذکر شده است.
۲. ابن ماجه، در صحیح الجامع به شماره‌ی ۲۱۹۸.

فصل هفتم

نماز درمسجد

فضیلت نماز در مساجد مخصوص

۱. فضیلت نماز در مسجدالحرام و مسجد النبی

عبدالله بن زبیر ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: یک نماز در همین مسجد من، از هزار نماز در مساجد دیگر جز مسجدالحرام بهتر و برتر است و فضیلت و برتری نماز در مسجد الحرام نماز در مسجد من صد هزار مرتبه بالاتر است.[۱]

۲. فضیلت نماز در مسجد الاقصی

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: بار سفر بسته نمی‌شود مگر به سوی سه مسجد: مسجد الحرام، این مسجد من، و مسجد الاقصی.[۲]

عبدالله بن عمر از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند: می‌فرماید: زمانی که سلیمان بن داود ﷺ از ساخت بیت المقدس فارغ شد از خداوند سه چیز درخواست کرد: قضاوتی بهره‌اش کند، که با قضاوت خودش هماهنگ باشد. پادشاهی نصیبش گرداند، که بعد از او شایسته‌ی هیچ کس نباشد. دیگر این که هرکس به این مسجد بیاید و خواهان نماز گزاردن در آن باشد، بسان همان روزی که از مادرش متولد می‌شود، از گناهانش برهد. دو درخواست اولی به او عطا شد و امیدواریم که سومی نیز به او عنایت شود.[۳]

---

۱. امام حمد در مسند و ابن حبان آن را صحیح دانسته و در صحیح الجامع شماره‌ی ۳۷۳۵ ذکر شده است.

۲. بخاری، مسلم.

۳. صحیح ابن ماجه ۱۱۵۶.

۳. اهمیت نماز در مسجد قبا

ابوامامه بن سهل بن حنیف رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: هرکس در خانه‌ی خویش وضو گیرد، سپس به مسجد قبا بیاید و در آن نماز گزارد او را پاداش یک عمره خواهد بود.[۱]

فضیلت رفتن به مسجد

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: نماز فرد با جماعت بر نماز او در خانه و در مغازه‌اش بیست و پنج درجه افزونی دارد. این بدین خاطر است که او هرگاه خوب و کامل وضو کند، سپس به مسجد رود و او را از خانه جز نماز چیزی دیگر بیرون نمی‌کند. هیچ قدمی بر نمی‌دارد، مگر آن که در ازای آن یک درجه ترفیع داده می‌شود و از او به خاطر آن یک گناه دور کرده می‌شود؛ چون نماز گزارد فرشتگان پیوسته برای او تا زمانی که روی سجاده‌ی خویش نشسته باشد، دعای خیر می‌کنند. می‌گویند بار الها، بر او رحمت بفرست، او را مورد لطف خویش قرار ده، او پیوسته در نماز است تا زمانی که منتظر نماز است. در روایتی دیگر آمده است، بار الها، او را مورد آمرزش خویش قرار ده.

بار الها، توبه‌ی او را پذیرا باش و او را توفیق توبه عنایت کن. این وضعیت تا زمانی ادامه دارد که در آن مکان کسی را با گفتار یا کردار خویش مورد آزار و اذیت قرار نداده و وضویش هم باطل نشود.[۲]

عقبه به عامر رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: هر گاه شخصی وضو کند سپس به قصد نماز به مسجد رود، نویسندگان یا نویسنده‌اش (یعنی کرام الکاتبین) برایش در ازای هرقدمی که به سوی مسجد بر می‌دارد، نیکی می‌نویسد. نشسته که منتظر نماز است، بسان ایستاده است و از نمازگزاران نوشته می‌شود، از لحظه‌ای که از خانه‌اش بیرون می‌آید تا دوباره به آن بر می‌گردد.[۳]

---

۱. مسند امام احمد و ابن ماجه، صحیح الجامع شماره‌ی ۶۰۳۰.
۲. بخاری، مسلم، ابوداوود ترمذی، صحیح الترغیب ۲۹۶.
۳. احمد، ابویعلی، طبرانی «الکبیر» و اواسط و صحیح الترغیب و الترهیب شماره‌ی ۲۹۷.

عبدالله بن عمر ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرموده است: هرکس به مسجد جماعت رود، هر قدمی که بدی را محو می‌کند و در ازای هر گامی برایش نیکی نوشته می‌شود. این شامل هم قدم‌های رفت و هم قدم‌های برگشت می‌شود.[۱]

جابر ﷺ می‌گوید: زمین‌های اطراف مسجد تخلیه شد. طایفه بنی سلمه خواست که به نزدیک مسجد منتقل شود، این خبر به رسول اکرم ﷺ رسید. به آنان فرمود: به‌من چنین خبر رسیده است، که شما قصد دارید به نزدیک مسجد نقل مکان کنید. عرض کردند: بلی، ای رسول اکرم ﷺ ما چنین تصمیم گرفته‌ایم. فرمود: ای بنی سلمه، در محله‌ی خودتان بمانید که آثار قدم‌های شما نوشته می‌شود. گفتند که خوشایند نشد که نقل مکان کنیم.[۲]

در روایت دیگری آمده است: بی شک برای شما در ازای هر گامی یک درجه هست.[۳]

ابوموسی ﷺ می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود: بزرگ‌ترین پاداش در نماز آن کسی هست که راهش به نماز دورتر باشد. کسی که منتظر می‌ماند تا نماز را همراه امام بگزارد ثوابش بزرگ‌تر است از کسی که آن را می‌گزارد سپس می‌خوابد.[۴]

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرموده است: هر روز بر مفصلی از مفاصل اعضای بدن انسان صدقه‌ای است. اصلاح عادلانه میان دو نفر برایت صدقه‌ای است. شخص را در چهار پا و سواری‌اش کمک کنی که او را بر آن سوار کنی، یا بارش را برایش بلند کنی، این نیز برایت صدقه‌ای است. گفتار نیک و پاک صدقه‌ای است و در ازای هر گامی که به سوی نماز بر می‌داری، برایت صدقه‌ای است و اینکه چیزهای موذی و مزاحم را از سر راه دور کنی نیز برایت صدقه‌ای خواهد بود.[۵]

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: شما را راهنمایی نکنم بر انجام دادن کاری که به‌وسیله‌ی آن خداوند گناهان را محو می‌کند و درجات را بالا می‌برد؟ گفتند: بلی ای رسول خدا، فرمود: کامل کردن وضو بر دشواری‌ها، کثرت قدم‌ها به سوی مساجد و انتظار کشیدن نماز بعد از نماز، این هاست اموری که باید به آن استوار باشید.[۶]

---

۱. احمد با سند حسن، طبرانی و ابن صبان آن را صحیح قرار داده است.
۲. مسلم.
۳. صحیح الترغیب و الترهیب، شماره‌ی ۳۰۲.
۴. بخاری، مسلم.
۵. بخاری، مسلم.
۶. مسلم، امام مالک، ترمذی.

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: هرکس صبح یا شب به مسجد رود، خداوند در هر رفتن او به وقت صبح یا شب در بهشت برایش اسباب پذیرایی آماده می‌کند.[۱] بریده ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: روندگان را در تاریکی‌ها به سوی مساجد به نور و روشنایی کامل در قیامت مژده بده.[۲]

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: بی گمان خداوند برای کسانی که به مساجد در تاریکی‌ها رفت و آمد می‌کنند، با نوری درخشنده، روز قیامت فراروی‌شان را روشن خواهد کرد.[۳]

ابوامامه ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرموده است: هرکس با وضو از خانه‌ی خویش برای گزاردن نماز فرض بیرون رود، پاداش او بسان پاداش حاجی احرام بسته‌ای خواهد بود. هر کسی برای گزاردن نماز چاشت بیرون رود که او را بر نمی‌خیزاند، مگر آن، پس پاداش او بسان پاداش کسی هست که به حج عمره رفته است و نمازی پشت سر نمازی دیگر که میان آن‌ها کارهای لغو بیهوده‌ای صورت نگرفته باشد، کتابی خواهد بود در علّیّین.[۴]

ابوامامه ﷺ می‌گوید: سه نفر هستند که خداوند ضامن همه‌ی کارهای آن هاست، اگر زنده بماند روزی به اندازه کفایت داده خواهد شد، اگر فوت کرد، خداوند او را به بهشت داخل خواهد کرد، هرکس وارد خانه‌اش شود و سلام کند، خداوند ضمانت او را نیز خواهد کرد.[۵]

سلمان ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس در خانه‌اش وضو بگیرد و وضوی خویش را زیبا و کامل سازد، پس برای گزاردن نماز به مسجد رود، این شخص زیارت کننده‌ی خداوند خواهد بود و بر زیارت شده لازم است که زیارت کننده احترام بگذارد.[۶]

---

۱. بخاری، مسلم. ۲. ابوداود، ترمذی الترغیب و الترهیب ۳۱۳.
۳. طبرانی در الاوسط با سند صحیح، الترغیب و الترهیب شماره‌ی ۳۱۵.
۴. ابوداود، صحیح الترغیب به شماره‌ی ۳/۸.
۵. ابوداود، ابن حبان، صحیح الترغیب به شماره‌ی ۳۱۹.
۶. طبرانی در «الکبیر» با سند آن را روایت کرده است که یکی از آن دو جداست، در صحیح الترغیب به شماره ۳۲۰.

فواید به دست آمده از احادیث گذشته

۱. رفتن به نماز درجات را بالا می‌برد و گناهان را نابود می‌سازد. این فضیلت در رفت و برگشت خواهد بود.

۲. در ازای هر گامی ده نیکی نوشته می‌شود.

۳. انسان مسلمان از لحظه‌ای که از خانه‌اش بیرون می‌رود، تا دوباره به آن بر می‌گردد، از نماز گزاران نوشته می‌شود.

۴. بزرگ‌ترین پاداش را در نماز، کسی به دستن می‌آورد که دورترین از لحاظ مکان به نماز باشد: یعنی فاصله‌ی او تا مسجد زیاد باشد.

۵. گامی که انسان مسلمان به سوی نماز برمی‌دارد، برایش صدقه‌ای محسوب می‌شود.

۶. کثرت گام‌ها به سوی مسجد از مرز داری و جهاد محسوب می‌شود.

۷. خداوند برای بنده در بهشت اسباب پذیرایی و مهمانی در ازای هر بار صبح و شب رفتن او به مسجد آماده کرده است.

۸. بی گمان خداوند متعال روز قیامت برای روندگان در تاریکی‌ها به سوی مساجد نور را کامل می‌کند.

۹. بی شک پاداش کسی که با وضو از خانه‌اش برای گزاردن نماز فرض به مسجد رود بسان پاداش حاجی محرم (با احرام) است.

۱۰. هرکس از خانه‌اش به سوی مسجد بیرون رود، خداوند ضمانت او را می‌کند. او را روزی می‌دهد و کفایتش می‌کند.

۱۱. رونده به نماز در صورتی که وضوی خویش را زیبا و کامل کرده باشد، در واقع به زیارت خداوند می‌رود. بی شک خدای سبحان بر بندگانش با اکرام و احترام کسی که او را زیارت می‌کند، لطف و احسان کرده است. لطف خدای عزوجل در ازدیاد ایمان و احسان و عطای ثواب و ترفیع درجات و دور کردن مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها و شاد گردانیدن قلب‌ها تجلی پیدا می‌کند.

فضیلت پای بندی و نشستن در مسجد

ابوهریره ﷺ می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: هفت گروه هستند که خداوند آن‌ها را روزی که جز سایه‌ی او سایه‌ای دیگر نیست، زیر سایه‌ی عرش خود جای می‌دهد. یکم، پادشاه و حاکم عدالت خواه و عدالت گستر. دوم، جوانی که در عبادت خدای عزوجل رشد کرده است. سوم، فردی که قلبش به مسجد بسته است. چهارم، دو نفر که تنها به خاطر رضایت خداوند با همدیگر محبت کرده و نیز به خاطر خداوند از هم دیگر جدا شوند. پنجم، کسی که زن دارای مقام وموقعیت زیبا و ثروت مند او را به انجام دادن کار ناشایست دعوت کند، اما اوبگوید که من از خدا می‌ترسم و چنین کاری مرتکب نمی‌شوم. ششم، مردی که صدقه‌ای بدهدوآن را چنان مخفی کند که دست چپ او نداند، دست راستش چه چیزی را صدقه کرده است. هفتم، کسی که در خلوت و تنهایی خدای عزوجل را به‌یاد آورد و از هیبت او اشک از چشمانش جاری شود.[۱]

ابوهریره ﷺ از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمود: هیچ کس مساجد را برای ذکر و نماز بر نمی‌گزیند، مگر آن که خداوند با خوش حالی و شادمانی به سوی او خواهد آمد و با قبولی طاعات و عبادات او را اکرام و مقرب خویش خواهد ساخت. همان‌سان که خانواده‌ای مسافر از بازگشت او شادمان و خندان می‌شود، خداوند نیز از کار این بنده شادمان و خندان خواهد شد.[۲]

ابودرداء ﷺ می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: مسجد خانه‌ی هر پارسا و پرهیزگاری است و هر کسی مسجد را خانه‌ی خویش قرار دهد، خداوند او را با لطف و رحمت خویش و عبور از پل صراط به رضوان خدا و به سوی بهشت تکفل خواهد کرد.[۳]

عبدالله بن عمر ﷺ از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که شش مجلس هستند که اگر مؤمن در یکی از آن‌ها باشد، از سوی خداوند تضمین خواهد شد؛ در مسجدی که در آن

---

۱. بخاری، مسلم.
۲. ابن ابی شیبه، ابن ماجه، ابن خزیمه، صحیح الترغیب ۳۱۵.
۳. طبرانی در «الکبیر» و «الاوسط» و البزار، گفته است که اسنادش حسن است. الترغیب ۳۲۸.

جماعت برگزار می‌شود، یا نزدیک بیمار، یا در تشییع جنازه‌ای، یا در خانه‌ی مرده‌ای، یا نزد امام عادلی که او را تقویت و حمایت کند و یا در صحنه‌ی جنگ وجهاد باشد.[۱]

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: بی شک مساجد ساکنانی دارند که آنان میخ‌های آن می‌باشند. آنان همنشینانی از فرشتگان دارند که اگر غایب شوند، درباره‌ی آنان سؤال خواهند کرد و اگر بیمار شوند، عیادتشان خواهند کرد، اگر در رفع نیازی باشند کمکشان خواهند کرد.[۲]

عقوبت تخلف از جماعت و تأثیر آن در کاستی ایمان

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: بی‌شک تصمیم گرفتم که دستور دهم به برگزاری نماز که برپا شود، سپس کسی را امر کنم نماز را برای مردم برگزار کند. بعد از آن به همراه مردانی که همراهشان بسته‌های هیزم است، به نزد قومی بروم که به نماز جماعت حاضر نمی‌شوند که خانه‌هایشان را بر سرشان خراب کرده و بسوزانم.[۳]

ابن ام مکتوم رضی الله عنه می‌گوید: خدمت رسول خدا صلی الله علیه وسلم عرض کردم که من پیر و نابینا هستم و خانه‌ام از مسجد دور است و کسی را هم ندارم که همراهم باشد. آیا برای من رخصتی هست که به مسجد نیایم؟ فرمود: آیا صدای اذان را می‌شنوی؟ عرض کردم: بلی، فرمود: من برای تو رخصتی نمی‌یابم.[۴]

نیز در حدیث آمده است که: باید کسانی از ترک کردن. نمازها با جماعت و ترک جمعه‌ها باز آیند ور نه خداوند بر دل‌هایشان مهر خواهد زد. سپس حتماً از گروه غافلان محسوب خواهند شد.[۵]

عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: هرکس دوست دارد که فردا خدا را در حالی دیدار کند که مسلمان است، باید برای نمازهای پنج گانه در مکانی که به خاطر برگزاری آن‌ها اذان

---

۱. شیخ آلبانی حدیث را حسن قرار داده است. الترغیب ۳۲۶.
۲. صحیح و موقوف بر ابوهریره رضی الله عنه است. در صحیح الترغیب و الترهیب به شماره‌ی ۳۲۷.
۳. بخاری، مسلم.
۴. ابوداود، صحیح، سنن ابن ماجه به شماره‌ی ۶۴۴.
۵. صحیح ابن ماجه به شماره ۶۴۶؛ مسلم آن را با لفظ «الجمعات» روایت کرده است.

داده می‌شود، باید محافظت کند؛ زیرا آن‌ها از شیوه‌های هدایت‌گر هستند و خداوند برای پیامبرتان شیوه‌های هدایت‌گر را مشروع کرده است. به خدا سوگند! اگر همگی‌تان در خانه‌تان نماز بگزارید البته سنت و روش پیامبرتان را ترک خواهید کرد. اگر سنت و شیوه‌ی پیامبرتان را ترک کنید، گمراه خواهید شد. هیچ کس از حضور در نماز جماعت باز نمی‌ماند، مگر منافقی که نفاقش آشکار بود. بی شک مردی را دیدم که در میان دو نفر که بازوهایش را گرفته‌اند و پاهایش به زمین کش می‌خورد و به نماز می‌آید، تا داخل صف می‌شود.[1]

فواید به دست آمده از احادیث نقل شده

۱. نماز جماعت واجب است.

۲. رسول اکرم ﷺ به نابینای پیر، اجازه‌ی ترک نماز جماعت را نداد. پس چگونه ترک آن برای افراد سالم، مرخص و مجاز باشد؟

۳. هر کس نماز جماعت را ترک کند، به غفلت و مهرزدن قلب تهدید شده است.

۴. تخلف و عدم حضور در نماز جماعت بدون عذر از نشانه‌های نفاق است.

۵. تلاش سخت صحابه، جهت حضور به نماز جماعت با بودن دشواری‌ها.

چه کار کنیم تا اول وقت به نماز برسیم؟

۱. لازم است که درباره‌ی احادیثی که متعلق به فضیلت زود رفتن به نماز است، تأمل کرده و از آن آگاه شویم.

۲. خواب زِود و عدم شب نشینی.

برخی از مردم شب نشینی می‌کنند که در نتیجه‌ی آن نماز صبح را از دست می‌دهند. گاهی از محل کارش بعدازظهر بر می‌گردد و نهارش راصرف کرده سپس در حالی که خسته است، می‌خوابد و برای نماز عصر بیدار نمی‌شود. و خوابش تا نزدیک غروب ادامه پیدا می‌کند. آن وقت بیدار شده و چهار بار بسان مرغ به خاطر ترس از غروب

۱. ابوداود، صحیح، سنن ابن ماجه به شماره‌ی ۶۳۱.

خورشید، با منقار خود نوک می‌زند. چون شب فرا می‌رسد، نمی‌تواند زود بخوابد؛ چون روز خوابیده است. لذا بیدار می‌ماند تا خواب بر او غلبه کند و این دیر خوابیدن باعث می‌شود که نماز فجر با جماعت یازودرفتن به سوی او فوت شود. بلی، چنین فردی با این روش نادرست، زندگی خویش را سپری می‌کند؟

۳. سفارش کردن برای زود بیدار شدن، این از طریق تماس‌های تلفنی ممکن است.

۴. به کار بردن ساعت‌های زنگ دار و هشدار دهنده که آن‌ها درست تنظیم کرده شود، که گاهی صداهای تکرار منظم و معین شده‌ای که با فاصله‌های نزدیک بیدار شدن هشدار می‌دهد، نیز لازم است که آن را مقداری از خود دور بگذارد، تا ناخودآگاه دست روی آن نیفتد و خاموش نشود.

۵. خواندن اذکار خواب، که در حقیقت در آن تأثیر خوبی برای بیدار شدن جهت نماز صبح است.

۶. زمانی که وقت نماز فرا رسید، وقت آن نزدیک شد و تو در آن وقت مشغول انجام دادن کاری دنیوی بودی، به خاطر بسپار که آخرت بهتر است و اگر آن کار از کارهای آخرت بود، به یادآور که بهترین کارهای خیر این است که نماز را در وقتش بگزاری، از شیطان بترس از این که برایت تارهای آرزو را بتند و بگوید: هنوز وقت زیاد است، کارت را به اتمام برسان، بعداً به نماز خواهی رسید.

۷. اوقات نماز را بشناس و لحظه‌ی برگزاری آن را به یاد داشته باش.

۸. به پاسخ صدای موذن اهمیت بده و به این قسمت از اذان لبیک گفته و پاسخ مثبت بده.

«حی علی الصلاة و حی علی الفلاح.»

(بشتاب به سوی نماز و بشتاب به سوی رستگاری.)

فضیلت انتظار نماز بعد از نماز

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: پیوسته یکی از شما در نماز است تا زمانی که نماز او را نگه داشته است؛ چرا که هیچ چیزی جز نماز او را باز نمی‌دارد که نزد خانواده‌اش بیاید.[1]

---

۱. بخاری، مسلم.

در روایتی دیگر آمده است که: بی گمان یکی از شما در نمازی هست تا زمانی که نماز او را نگه داشته است و فرشتگان می‌گویند: بار الها، او را مغفرت کن، او را مورد لطف و مرحمت خویش قرار ده. این دعا ادامه دارد تا زمانی که از روی سجاده‌ی خویش برنخاسته یا بی وضو نشده باشد.[۱]

انس ﷺ می‌گوید: شبی رسول خدا ﷺ نماز عشاء را تا نیمه‌ی شب به تأخیر انداخت و بعد از اتمام نماز صورت مبارک را بر گرداند و فرمود: مردم نماز گزارند و خوابیدند و شما پیوسته در نماز هستید، تا زمانی که منتظر آن هستید.[۲]

عبدالله بن عمر ﷺ می‌گوید: نماز مغرب را همراه رسول خدا ﷺ گزاردیم، هرکس می‌خواست برگردد، برگشت و هرکس می‌خواست بماند، ماند. رسول خدا ﷺ با شتاب درحالی که نفس نفس می‌زد آمد، فرمود: شما را مژده باد! این پروردگار شماست که دری از دروازه‌های آسمان را گشوده است و به وسیله‌ی شما نزد فرشتگان مباهات و افتخار می‌کند. می‌فرماید: به بندگانم بنگرید که فریضه‌ای را به جای آوردند و اکنون منتظر فریضه‌ای دیگر هستند.[۳]

جابر بن عبدالله ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرموده است: شما را خبر نکنم از چیزی که خداوند به وسیله‌ی آن اشتباهات رامحو و نابود می‌کند و گناهان را می‌بخشاید؟ گفتند: بلی، ای رسول خدا ﷺ، فرمود: کامل کردن وضو بر دشواری‌ها و ناملایمات و کثرت گام‌ها به سوی مساجد و به انتظار نشستن نمازی پس از نمازی دیگر، پس این اموری است که باید به آن استوار باشید.[۴]

علی ابن ابی طالب ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: کامل کردن وضو در سختی و دشواری و به کار بردن قدم‌ها به سوی مساجد و به انتظار نشستن نمازی پس از نمازی دیگر اشتباهات را خواهد شست.[۵]

ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: منتظر نماز بعد از نماز بسان

---

۱ بخاری. ۲. بخاری.
۳. ابن ماجه، صحیح الترغیب و الترهیب ۴۲۵.
۴. ابن حبان صحیح الترغیب و الترهیب ۴۴۷.
۵. ابویعلی و البزار با اسناد صحیح، حاکم، صحیح الترغیب و الترهیب ۴۴۹.

سواره‌ای است، که سواری‌اش او را در راه خدا باتندی حمل می‌کند، چنین فردی در مرزداری بزرگ‌تر است.[۱]

ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: پروردگارم را در خواب، در بهترین و زیباترین صورت دیدم. (در روایتی دیگر آمده است: شب کسی از سوی پروردگارم نزدم آمد) به من گفت: ای محمد، گفتم: پروردگارا لبیک، درخدمت گذاری حاضرم. فرمود: آیا می‌دانی فرشتگان مقرب درباره‌ی چه چیزی با همدیگر بحث و گفت و گو می‌کنند؟ عرض کردم: نمی‌دانم. دست خویش را میان دو کتف گذاشت، که خنکی آن را در میان سینه‌ام احساس کردم یا گفت: در گلویم احساس کردم). پس، از آن‌چه در آسمان‌ها و زمین هست را دانستم، یا گفت: آن چه را میان شرق و غرب هست، دانستم).[۲] فرمود: ای محمد، آیا می‌دانی فرشتگان مقرب درباره‌ی چه چیزی با همدیگر بحث و گفت و گو می‌کنند؟ عرض کردم: بلی، در باره‌ی درجات کفاره‌ها و بر داشتن قدم‌ها به سوی مساجد و کامل کردن وضو در سرمای شدید و به انتظار نشستن نمازی بعد از نمازی دیگر. هرکس بر آن‌ها محافظت کند، در خیر وعافیت خواهد زیست. با خیر و عافیت فوت خواهدکرد و از گناهان خویش بسان روزی که از مادرش متولد می‌شود، پاک خواهدشد. فرمود: ای محمد، عرض کردم: در خدمت گزاری حاضرم. فرمود: هرگاه نماز گزاردی بگو:

«اللّهم إنی اسألک فعل الخیرات و ترک المنکرات و حبّ المساکین، و اذا اردت بعبادک فتنه فاقبضنی الیک غیر مفتون.»

(بار الها، از او انجام دادن کارهای خیر وترک کارهای ناشایست و محبت مستمندان و فروتنان را مسألت می‌نمایم. هرگاه خواستی بندگانت را دچار فتنه سازی، مرا به نزد خودت ببر، بدون آن که دچار فتنه شوم، ببر. فرمود: درجات عبارتند از: گسترش و پخش سلام، دادن غذا و نمازگزاردن به شب در حالی که مردم خوابند.)[۳]

۱. احمد، طبرانی در «الاوسط»، صحیح الترغیب ۴۵۰.
۲. یعنی خداوند از آن چه که میان آن بود، از فرشتگان و درختان و ایشان را آگاه ساخت.
۳. صحیح الترغیب ۴۰۵.

انس رضی الله عنه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: سه چیز کفاره هستند و سه چیز مایه‌ی ترفیع درجات و سه چیز نجات‌بخش و سه چیز هلاک کننده هستند. حال کفاره‌ها عبارتند از: کامل کردن وضو در سرمایی شدید و به انتظار نشستن برای نمازی بعد از نمازی دیگر. برداشتن گام‌ها به سوی نمازهای جماعت. اما درجات عبارتند از: غذا دادن به مستمندان و نیازمندان وگسترش و پخش سلام و گزاردن نماز به شب، در حالی‌که مردم خوابند. اما نجات دهندگان، اجرای عدالت در حالت خشم و خوشی و میانه‌روی در حالت فقر و ثروت مندی، بیم داشتن از خدای عزوجل در پنهان و آشکار. اما هلاک کنندگان، بخل و آزمندی فرمان برده شده و هوس پیروی شده و خودبینی خویشتن.[1]

عقبه بن عامر رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی که نشسته و منتشر نماز است، پاداش او بسان کسی است که ایستاده و نماز می‌گزارد. از نماز گزاردن نوشته می‌شود. از لحظه‌ای که از خانه بیرون می‌آید، تا به خانه بر می‌گردد، برایش حساب می‌شود.[2]

فواید احادیث گذشته

۱. بی گمان انسان پیوسته در نماز است، تا زمانی که نماز او را نگه داشته است و او بسان نمازگزار ایستاده‌ای است، ازگروه نمازگزاران محسوب می‌شود، از لحظه‌ای که از خانه بیرون می‌رود و تا بر می‌گردد.

۲. فرشتگان برای نمازگزار تا زمانی که روی سجاده‌ی خویش نشسته است و بی وضو نشده باشد، برایش دعای مغفرت و رحمت می‌کنند.

۳. بی شک خدای عزوجل دروازه‌ای از دروازه‌های آسمان را می‌گشاید، نزد فرشتگان از کسی که نماز مغرب را گزارد است و منتظر نماز عشاء است افتخار و مباهات می‌کند.

۴. انتظار نماز بعد از نمازی دیگر از جمله اعمالی است که اشتباهات را خواهد کشت.

---

۱. البزار، بیهقی، حدیث با مجموع سندهایش حسن است. صحیح الترغیب ۴۵۳.
۲. ابن حبان، احمد، صحیح الترغیب به شماره ۴۵۴.

۵. مقام نمازگزار، بسان مقام مجاهد سواره‌ای است که با اسب خویش در راه خدا بر دشمن حمله ور شده است، چنین فردی در موقعیت مرزداری بزرگ‌تر است.

۶. بی شک انتظار نماز بعد از نمازی دیگر، از جمله اعمالی است که فرشتگان مقرب درباره‌ی آن بحث و گفت و گو می‌کنند. این خود نشان عظمت نماز است.

۷. بی گمان به انتظار نشستتن نمازی بعد از نمازی دیگر، از کفاره‌ها و نابودکنندگان گناهان می‌باشد.

از فواید خشوع

۱. روزی پاک و حلال

خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَن يَتَّقِ ٱللهَ يَجْعَل لَهُ مَخْرَجاً * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ طلاق: ۳ ـ ۲

«هرکس از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خدا راه نجات (از هر تنگنایی) را برای او فراهم می‌سازد. و به او از جایی که تصورش را نمی‌کند، روزی می‌رساند. هر کس بر خداوند توکل کند، خدا او را بسنده است.»

۲. خشوع در نماز صاحبش را بی نهایت به پروردگارش نزدیک می‌سازد.

۳. مایه‌ی نابودی گناهان و موجب بخشش و آمرزش او می‌شود.

۴. خشوع در نماز مایه‌ی رستگاری و پیروززی می‌شود. خداوند می‌فرماید:

﴿قَدْ أَفْلَحَ ٱلْمُؤْمِنُونَ * ٱلَّذِينَ هُمْ فِي صَلاَتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

مؤمنون: ۲ ـ ۱

«مسلماً مؤمنان پیروز و رستگارند، کسانی‌اند که در نمازشان خشوع و خضوع دارند.»

۵. خشوع در نماز، نمازگزار را از زشتی‌ها و پلیدی‌ها باز می‌داد.

﴿إِنَّ ٱلصَّلاَةَ تَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَاءِ وَٱلْمُنكَرِ﴾ عنکبوت: ۴۵

«مسلماً نماز انسان را از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند باز می‌دارد.»

۶. خشوع، موجب افزایش هدایت می‌شود. خداوند می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ عنکبوت: ۶۹

«کسانی که برای (رضایت) ما سعی و تلاش کنند و در راه پیروزی دین ما جهاد کنند، آنان در راه‌های منتهی به خود رهنمود می‌گردانیم.»

۷. خشوع، سبب ورود به بهشت می‌شود، همانطور که در حدیث گذشت، پاداش او بر من این است که او را وارد بهشت سازم.

۸. نماز با خشوع مایه‌ی راحتی جان و روان و سبب خنکی جسم و قلب است. چنان که رسول اکرم ﷺ فرموده است: ای بلال، نماز را برپا کن، ما را با نماز آرام کن. هم چنین فرموده است: خنکی چشمانم در نماز قرار داده شده است.

۹. انسان به وسیله‌ی نماز به مقام محسنین می‌رسد. رسول اکرم ﷺ فرموده است: نمازی بدرقه گونه بگزار، گویی که خدا را می‌بینی.

سخنی در پایان

برادر مسلمان، این است تأثیر نماز و فواید بی‌شمار آن. لذا بر تو لازم می‌نماید که نمازت حتماً دارای خشوع، خضوع و حضور قلب باشد. خدای عزوجل آن را از تو بپذیرد و ثمره و نتیجه‌ی آن را به تو عنایت کند، تا آن بر جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنی و تو در آن یک واقعیت حیاتی هستی منعکس شود: جامعه‌ای که ایمان پایه‌ی آن و التزام به احکام اسلام، پیوند ناگسستنی در آن است.

«و صلی الله علی بیننا محمد و علیآله و صحبه وسلم»

نشر احسان



نقش نماز در تزکیه نفس و تقویت ایمان

مولف:
حسین العوالیشه

نماز آیینه‌ی تمام نمای کردار مسلمان است. که تمامی کردارهای او در آن نمایان می شوند. اگر نماز اصلاح شود و به دوستی و به نکویی برگزار نشود، در کردارهای دیگر نیز کاستی پدیدار می گردد.

بی گمان نماز صحیح و فروتنانه، از بارزترین عواملی است که موجب پیروزی و سعادتمندی امت اسلامی می شود.

نماز مایه شادکامی و آرامش درونی پیامبر(ص) بود. بی شک نماز سرود توحید و یکتا پرستی و سرود فضیلت و پاکی است که فکر و روح نمازگزار را در برابر عوامل شرک زا و آلوده کننده‌ای که در زندگی روزمره با آنها سروکار دارد، پاک می نماید و یکتا پرست نگه می دارد.

دفتر مرکزی: انقلاب - خیابان صفی علیشاه - کوچه تهرانی - پلاک ۳۴ تلفن: ۵۵ ۷۶ ۵۳ ۷۷
فروشگاه: تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران مجتمع فروزنده - شماره ۴۰۶ تلفن: ۰۴ ۴۴ ۹۵ ۶۶

978-964-356-703-3